



روزه کنفرانس دوم

گزارشی از برگزاری دومین کنفرانس سازمان و تصمیمات آن

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) به دومین کنفرانس سازمان

بقا!

در خردادماه ۱۳۶۸ دومین کنفرانس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) با حضور تعدادی از اعضاء و کارکنان سازمان برگزار گردید تا فعالیتهای سیاسی و تشکیلاتی دوساله سازمان را پس از نخستین کنفرانس مورد ارزیابی قرار دهد و خط مشی و سیاستهای سازمان را برای دوسال آینده تعیین نماید.

مطابق رویه‌ای که در اساتمه مشخص شده است، کمیته اجرائی سازمان سه ماه پیش از برگزاری این نشست یعنی در اسفندماه، دستور جلسه کنفرانس را بشرح زیر به تشکیلات ارائه نمود:

" بحث و تصمیم‌گیری در مورد گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی
اصلاحات در برنامه و اساتمه سازمان
تعیین خط مشی و تکنیکهای سازمان در وضعیت جاری
تصویب قطعنامه‌ها
انتخاب رهبری سازمان."

در همین حال نوشته‌ای تحت عنوان " تزهائی درباره گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی " به همراه قطعنامه‌ها و دیگر موارد بحث را در اختیار تشکیلات قرار داد تا قبلاً از نشست، بحث لازم‌پیرامون این مسائل انجام بگیرد. بنا بر این پس از سپری شدن دوره در صفحه ۲

های امپریالیست و تعمیق روزافزون بحران اقتصادی را در یک دوران طولانی‌ترین می‌توان به وضوح مشاهده کرد. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای امپریالیست که طی سالهای ۷۳-۶۳ بطور متوسط ۵/۱ درصد بود، در فاصله میان سالهای ۸۰-۱۹۷۳ به ۲/۵ درصد و در سالهای ۸۰ تا ۸۸ به ۲/۳ درصد کاهش یافت. این ارقام بخوبی رکود مزمن و زوال روزافزون اقتصاد کشورهای امپریالیست را نشان میدهند. با این تشدید و خاسته‌ها، وضع اقتصادی شرایط معیشتی کارگران دشوارتر شده است. مطابق ارقام رسمی که طبیعتاً بازگوکننده تمام حقیقت نیست، نرخ بیکاری در تمام کشورهای امپریالیست بطور متوسط ۸ درصد است. تعداد بیکاران تمام مشترک ۱۰/۹ درصد است. تعداد بیکاران تمام وقت کشورهای امپریالیست به حدود ۳۶ میلیون نفر بالغ می‌گردد که در این میان سهم بزرگتر ۱۶ میلیون نفر می‌باشد. بعلاوه، بورژوازی برای تحمیل هر چه بیشتر بار بحران به دوش کارگران، طی سالهای اخیر امکان‌ناات مربوط به رفاه و تامين اجتماعي کارگران را محدودتر نموده است.

توام با وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی و تعمیق رکود و بحران، امپریالیسم بنا به هیئت ارتجاعی‌اش گرایش بیشتری به ارتجاع سیاسی و میلیتاریسم از خود نشان داده است. در صفحه ۴


گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی به دومین کنفرانس سازمان با بررسی اوضاع جهانی آغاز می‌گردد، سپس اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان گزارش تشکیلاتی ارائه می‌شود.

مختصات عمومی اوضاع سیاسی جهان طی دوران پس از نخستین کنفرانس سازمان، در ساس منتج از همان شرایط عینی و تضادهائی بوده است که زائیده عصر حاضر است. به خصوص امپریالیسم و انقلابات پرتولتری می‌باشند. دنیای سرمایه‌داری که اکنون سالهاست در جنگال یک بحران عمومی و همه‌جانبه دست و پایی زنده و دوران احتضار خود را می‌گذراند، انبوهی از معضلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تضادهای لاینحل برپوست.

طی چند سال اخیر وضعیت اقتصادی جهان سرمایه‌داری به وخامت بیشتری گرایده و بحران اقتصادی ژرف‌تر شده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به رغم بهبود نسبی سال ۹۸۴ اپوسته کاهش نشان می‌دهد، در حالیکه در ۱۹۸۴ این نرخ رشد در کشورهای اردوگاه امپریالیسم بطور متوسط ۴/۹ درصد بود، در سال ۱۹۸۵ به ۳/۲ درصد، در ۱۹۸۶ به ۲/۷ درصد، در ۱۹۸۷ به ۳/۱ درصد و در ۱۹۸۸ به ۲/۸ درصد کاهش یافت. طی همین مدت این نرخ رشد در آمریکا از ۶/۸ درصد به ۲/۷ درصد کاهش یافته است. زوال روزافزون اقتصاد کشور-

قطعنامه‌های مصوب دومین کنفرانس

در صفحه ۶



خمینی مرد! مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

در صفحه ۳

برنامه و اساتمه مصوب دومین کنفرانس

در صفحه ۷

پیام شرکت‌کنندگان در دومین کنفرانس به طبقه کارگر در صفحه ۲۰

پیام به فدائیان دربند، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی در صفحه ۱۸

پیام دومین کنفرانس به رفقای هوادار در صفحه ۱۹

صلح دمکراتیک و پایداری، درگرو سرنگونی جمهوری اسلامی است

گزارشی از برگزاری دومین کنفرانس سازمان و تصمیمات آن

مباحثات، دومین کنفرانس سازمان در موعده مقرر تشکیل گردید و کار خود را با اعلام یک دقیقه سکوت به پاس بزرگداشت شهدای سازمان آغاز نمود. سپس آئین نامه نشست تصویب رسید و هیئت رئیسه جلسه انتخاب گردید. در پی این مقدمات مطابق دستور جلسه تعیین شده ابتدا گزارشی سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرایی به دومین کنفرانس قرائت شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. کلیتاً این گزارش با یک تغییر در بخش گزارش تشکیلاتی به تصویب رسید. در اصل گزارش گفته شده بود "کمیته اجرایی بر این اعتقاد است که علت این عدم موفقیت، قبل از هر چیز به بقای سبک کار گذشته ما در عرصه سازماندهی مربوط می گردد. ما در عرصه سیاسی سبک کار روشی و فعالیت خود را بطور عمدتاً اصلاح کرده ایم، اما در عرصه سازماندهی عمدتاً سبک کار گذشته ادامه یافته است. این سبک کار را درست خود را در این واقعیت نشان داده است که ما پس از کنفرانس خرداد ۶۶ در حالیکه با کمبود شدید کاروانها و مکانهای مالی و تدارکاتی روبرو بودیم، وظایف متعددی را در برابر خود قرار دادیم، اما کارهای متعددی ایجاد نمودیم و نتوانستیم تمام نیروها و مکانها را برای انجام عمده ترین وظیفه خود متمرکز سازیم لذا کمیته اجرایی در این زمینه از خود انتقاد می کند و..." در حالیکه این بخش بشکلی که اکنون در گزارش آمده است تغییر نمود. گزارشی جداگانه عملکردها و کارهای مختلف تشکیلاتی نیز به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید.

اصلاحات برنامه های بخش دیگری از دستور جلسه کنفرانس بود. مهمترین مسئله مورد بحث بر سر اصلاحات برنامه های، حذف آن بخش از بند ۱۳ برنامه حداکثر سازمان بود که به "استراتژی سه جهان" و حزب کمونیست چین اختصاص یافته بود. واقعیتاً ما این است که تزارجاعی سه جهان اکنون دیگر بطور کلی در میان کارگزاران سراسر جهان افشاء و بی اعتبار شده است. حتی اکنون دیگر چین نیز که زمانی طراح و مدافع اصلی آن بود در عمل این استراتژی را کنار نهاده و در حال تجدیدنسیاست خود با کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست این کشورهاست. لذا دیگر این تزد در مقیاس جهانی و همچنین در داخل ایران خطری جدی برای طبقه کارگر محسوب نمی شود و پیش از آن افشاء شده است که کسی مدافع آن باشد. با توجه به این حقایق کنفرانس تصمیم گرفت که این بخش از برنامه حذف شود، اما در همان حال تاکید نمود که بمنظور اتخاذ موضع صریح و روشن درقبال جامعه چین و حزب کمونیست این کشور و تحولاتی که طی چند سال اخیر از سر گذرانده است، این مسئله برای یک دوره مورد بحث و بررسی تشکیلات قرار گیرد.

اصلاحات دیگری که در برنامه انجام گرفت، در حد اصلاحات برای رفع هرگونه ابهام و بیافزودن مواردی به مطالبات مشخص بود که در برنامه مصوب کنفرانس دوم آمده است. بحث بر سر تغییر، حذف و یا افزودن برخی مواد سازمانها ای مطابق جمع بندی تجارب دو سال گذشته و مقتضیات کنونی تشکیلات بخش دیگری از کار کنفرانس بود. این اصلاحات در اساساً سازمان کنفرانس دوم درج شده اند. دستور کار بعدی کنفرانس بحث و بررسی و تصمیم گیری در مورد قطعنامه های تاکتیکی بود. کنفرانس طرح قطعنامه ای را که به وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکهای سازمان اختصاص یافته بود تصویب نمود. این قطعنامه به ضمیمه دیگر اسناد کنفرانس دوم در همین شماره نشریه کارانتشار یافته است. در زمینه شیوه برخورد با احزاب و سازمانهای غیر پرولتری، کنفرانس دوم سازمان تصمیم گرفت که قطعنامه کنفرانس اول در این مورد به اعتبار خود باقی باشد. بر همین مبنا شیوه برخورد نسبت به هر دو جناح حزب دمکرات کردستان ایران همان خواهد بود که در قطعنامه کنفرانس اول در مورد حزب دمکرات کردستان آمده بود، اما بر اساس مباحثی که در کنفرانس پیرامون ماهیت طبقاتی این دو جریان صورت گرفت، اینکه تحلیل گذشته سازمان با اعتبار خود باقی است، اینکه هر دو جناح، بورژوازی رانانندگی می کنند و اساساً ضد انقلابی اند و اینکه جناح قاسملو بورژوازی رانانندگی می کند و ضد انقلابی است، در حالیکه جناح دیگر لایه های فوقانی خرده بورژوازی رانانندگی می کند و نیروی بینا بینی محسوب میگردد، مقرر گردید که مسئله ماهیت طبقاتی دو جناح حزب دمکرات کردستان و شیوه برخورد به آنها مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و این مسئله به یکی از مباحث تشکیلات تبدیل شود.

در مورد سازمان راه کارگر نیز با توجه به انشعابی که در این سازمان صورت گرفت جناح "هیئت اجرایی موقت برای تدارک کنفرانس" جناح را دیلاتر این سازمان ارزیابی گردید، اما اتخاذ موضع قطعی منوط به مصوبات و مواضع بعدی این سازمان گردید. در مباحث ارزیابی از ماهیت طبقه تشکیلاتی احزاب و سازمانهای غیر پرولتری، بحث دیگری پیرامون کمیته خارج از کشور سابق بود. مباحثات در این مورد حول این محور صورت گرفت که آیا باید با آن بعنوان یک جریان خرده بورژوازی برخورد کرد یا اساساً بعنوان یک جریان غیر سیاسی. کنفرانس با اکثریت مطلق آراء معتقد بود که این جریان فاقد اهداف و انگیزه های سیاسی است. بنا بر این یک سازمان سیاسی

محسوب نمی شود و ما مجاز به برقراری مناسبات با این جریان و هرگونه اتحاد عمل با آن نیستیم. یکی دیگر از مسائل مورد بحث کنفرانس دوم سازمان، مشخص ساختن نیروهای وحدت حزبی ما بود. کنفرانس با تصویب یک قطعنامه در باره ضرورت وحدت در صفوف نیروهای طیف قلبی نیروهای وحدت حزبی ما را در لحظه کنونی رفقای "شورا یعالی" و "هسته اقلیت" معرفی نمود. در عین حال مقرر داشت که چنانچه روند وحدت قبل از کنفرانس سوم سازمان به نتیجه بیانجامد، کمیته اجرایی سازمان کنفرانس اضطراری سازمان را فراخواند.

پس از این مباحثات و تصمیم گیریها، کنفرانس یک رشته تصمیمات دیگری نیز اتخاذ نمود. کنفرانس تصمیم گرفت که تا زمانیکه سازمان به لحاظ کمی و کیفی و رعایت پرنسپهای کمونیستی نتواند کنگره خود را تشکیل دهد، هر دو سال یکبار کنفرانس سازمان برگزار گردد که از همان اختیارات کنگره برخوردار خواهد بود و خواست برگزاری آن نیز همان ضوابط تعیین شده در اساسنامه سازمان در مورد کنگره خواهد بود. تصمیم دیگر کنفرانس دوم سازمان تعیین یک روز بعنوان روز شهدای سازمان بود. از آنجائی که در سراسر دوران حیات سازمان، گروه کثیری از رفقای فدائی ما در اسفندماه جان باختند، از آنجائی که طی روزهای ۲۴ و ۲۵ اسفندماه سال ۶۰ گروهی از رهبران برجسته و کارهای سازمان در یک نبرد قهرمانانه با دژ خیمان جمهوری اسلامی بشهادت رسیدند، لذا کنفرانس روز ۲۵ اسفند بعنوان روز شهدای سازمان اعلام نمود. کنفرانس سپس با تنظیم چندین پیام خطابه به طبقه کارگر، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، رفقای هوادار سازمان، و انتخاب رهبری جدید سازمان وظایف خود را به انجام رساند. کنفرانس با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

برای تماس با:

سازمان جریکهای فدائى خلق ایران (اقلیت)

نامه های خود را در دینسخه جداگانه برای دوستان و آشنا یان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخوابید نامه ها بتان را به آدرس زیر بکنند

Post Fach 302921
1000 Berlin 30
West Germany

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمایند.

Jalali
201964 M
Credit Lyonnais
29 Bd. Jules-Ferry
75011 - Paris
FRANCE



خمینی مرد! مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

مردم مبارز ایران!

ضحا که زمان خمینی خون آشام، این مظهر تمام ارتجاع، جنایت، جهل و خرافات، فریب‌وریا، جنگ و کشتار که طی ده سال زمامداری خود بر سراسر مردم حکومتی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، با ارتکاب عظیم‌ترین جنایات ضد بشری و بیدادگری‌های بی‌حد و حصر به منفرترین چهره در سراسر جهان تبدیل شده بود، مرد.

فجایع بیشماری که خمینی و رژیم اسلامی او طی ده سال اخیر در ایران ببار آورده‌اند، فقر و بدبختی عموم زحمتکشان ایران، کشتار، جنگ، اختناق و سرکوب‌عنان گسیخته و محروم نمودن مردم از ابتدائی ترین حقوق انسانی، چنان عظیم و هولناک‌اند که هیچگاه از خاطره مردم ایران محو نخواهند شد.

نیازی نیست که با برشمردن دهها و صدها نمونه از اقدامات ضد انقلابی و ارتجاعی خمینی علیه مردم ایران به بازگویی جنایات و فجایعی که او ببار آورد بپردازیم. توده‌های زحمتکش مردم ایران با تجربه ده ساله اخیر که هر روز با هزاران نمونه از بیدادگری‌های این رژیم توأم بوده است، به ما هیت سرتا پا ارتجاعی خمینی و رژیم جمهوری اسلامی او پی برده‌اند.

از همان هنگام که توده‌های مردم ایران با انقلاب عظیم خودحما سی‌ترین نبرد تاریخی خویش را علیه رژیم مستکار شاه آغاز نمودند و برای سرنگونی حکومت سلطنتی شاه که مظهر ۲۵۰۰ سال ستمگری و بیدادگری شاهان و شروتمندان بود به قیام برخاستند، خمینی نقش ضد انقلابی و ارتجاعی خود را آشکار ساخت. او که در واقعیت مردم دشمن سوگند خورده کارگران و زحمتکشان، آرمان‌های والای آنها و دشمن آزادی و دمکراسی بود، بسان گرگی درنده خوی در پوست میش به دروغ خود را مدافع خواستهای مردم و آرمان‌های آنها معرفی نمود، تا جنبش توده‌ها را از مسیر انقلابی‌اش منحرف نماید و بدینا م انقلاب، علیه انقلاب اقدام کند. همه دشمنان توده‌های مردم ایران، همه طبقات ستمگرو استثماری و نیز دولت‌های امپریالیست که در پافتنه بودند، رژیم شاه قالدربه مهارسیل بنیان کن جنبش توده‌ای نیست و بزودی سرنگون خواهد شد، از هیچ تلاشی برای تحمیل خمینی مرتجع و دارودسته او بر مردم ایران فروگذار نکردند. مردم ایران که هنوز شناخت درستی از ما هیت ارتجاعی خمینی و اهداف و مقاصد ضد انقلابی او نداشتند، از روی نا آگاهی و زودباوری به او اعتماد کردند و قدرت سیاسی را دوباره به دست دشمنان خود که این بار چهره عوض کرده بودند، سپردند. اما گذشت مدت زمانی کوتاه لازم بود تا در عمل دریا بنده همه وعده و وعیدهای خمینی جز فریبکاری یک شیا د عما به سر چیز دیگری نبوده است. خمینی همینکه قدرت را بدست گرفت، در سراسر رژیم جمهوری اسلامی یکا یک دستاوردهای انقلابی مردم را از آنها بازپس گرفت. تمام حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی را از مردم سلب نمود و با برقراری یک دیکتاتور عریانی و عنان گسیخته دست به چنان جنایاتی زد که دزنوع خود کم سابقه است. کارگران و زحمتکشان ایران و ملیت‌های تحت ستم با زور و اسلحه سرکوب شدند. دهها هزار تن به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. شکنجه‌های وحشیانه در سیاهالهای قرون وسطائی دوباره متداول گردید. زنان در معرض بی حقوقی کامل قرار گرفتند. صدها هزار تن از مردم ایران در جریان جنگ فدائی مقاصد جاه طلبانه و توسعه طلبانه رژیم شدند. خمینی جلا دحتی در آخرین لحظات عمر ننگین خود فرمان قتل عام زندانیان سیاسی را صادر کرد. او که پیش از قیام وعده رفاه و خوشبختی را به توده‌های مردم داده بود، در عمل کارگران و زحمتکشان ایران را به چنان مرحله‌ای از فقر و بدبختی هولناک سوق داد که تا کنون سابقه نداشته است. توده‌ها به تجربه دیدند که حکومت الله در ایران چیز دیگری جز فقر، بدبختی، جنگ، سرکوب، کشتار و بی حقوقی مطلق و استثماری وحشیانه کارگران توسط سرمایه داران، به ارمغان نیاورد و خمینی جز یک مرتجع جنایتکار، شیاد و فریبکار چیز دیگری بنود.

خمینی پس از اینکه فجایع و جنایاتی که ببار آورد، مرد، روشن است که مرگ این مظهر خبیث ارتجاع، جهل و جنایت‌نه تنها موجب خرسندی میلیون‌ها تن از مردم زجر کشیده ایران، بلکه همه انسان‌های آزادیخواه، انقلابی و دمکرات در سراسر جهان گردید. اما مردم ایران حتی یک لحظه این حقیقت را نباید فراموش کنند که هر چند خمینی مرد، اما هنوز رژیم جمهوری اسلامی باقی است و ما که این رژیم سرنگون نشده است، تمام مصائب و بدبختی‌هایی که خمینی و رژیم او ببار آورده‌اند، باقی خواهند ماند. اکنون با مرگ خمینی و نقشی که او در نظام جمهوری اسلامی بازی می‌کرد، شرایط برای سرنگونی این رژیم بیشتر فراهم می‌گردد. مرگ خمینی تا شیرات غیر قابل انکاری بر ازم گسیختگی هر چه بیشتر نظام جمهوری اسلامی برجای خواهد گذاشت، اما فروپاشی قطعی و سرنگونی تام و تمام آن تنها بدست توانائی توده‌های زحمتکش مردم ایران امکان پذیر است.

مردم مبارز ایران!

مبارزه خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی یعنی حکومتی که قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان باشد، شدت بخشید. مرگ خمینی از هم گسیختگی و فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی را تسریع خواهد کرد.

سرنگون با رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرایی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) به دومین کنفرانس سازمان

امپریالیست در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری تعرض گسترده ای را به دست آورده های دمکراتیک طبقه کارگر سازمان داده است. رشد گرایشات و جریانات فاشیستی در اغلب کشورهای امپریالیستی بویژه طی دو سال اخیر خودجلوه دیگری از گرایش روزافزون بورژوازی انحصاری به ارتجاع سیاسی تر شرایطی است که واضع اقتصادی مداوم و وخیم تر میشود. علاوه بر این، امپریالیسم بمنظور تحقق اهداف فاشیستی، استثماری و تجارانه خود بردارانه و بعد از سیاستهای میلیتاریستی اش افزوده است. امپریالیسم در تلاش است تا با تشدید میلیتاریسم از یک سو به مقابله با اوضاع وخیم اقتصادی و رکود مداوم برخیزد و از سوی دیگر این میلیتاریسم را در خدمات هدف وسیله استهای توسعه طلبانه و تجارانه تشدید کند. بر همین مبنا است که هزینه های نظامی امپریالیسم آمریکا از ۱۸۷/۹ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در ۱۹۸۸ افزایش یافته است. کشورهای امپریالیستی دیگر نیز به همین منوال هزینه های نظامی و تسلیحاتی خود را افزایش داده اند. سواي خطراتی که این رشد میلیتاریسم برای عموم بشریت در پی خواهد داشت، هم اکنون طبقه کارگر این کشورها می باید با این هزینه های کلان را بردوش بکشد. همه این عوامل اقتصادی و سیاسی، شرایط زندگی طبقه کارگر را دشوارتر نموده و تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی را تشدید نموده است. این تشدید تضاد، خود را در شدت روزافزون اعتراضات طبقه کارگر و وسعت گرفتن دامنه اعتمادات و نظارتها تکاگرگی در کشورهای سرمایه داری بویژه فرانسه، آلمان، انگلیس، اسپانیا و غیره نشان داده است. جنبش های دمکراتیک ضد جنگ و سلاحهای هسته ای که در پیشاپیش آنها طبقه کارگر قرار دارد، نیز جلوه دیگری از مبارزه علیه سیاستهای میلیتاریستی و ارتجاعی بورژوازی انحصاری است.

به موازات تشدید رکود و وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی، تضاد میان انحصارات بین المللی و بلوک بندیهای امپریالیستی برای تجدید تقسیم بازارهای موجود و صدور سرمایه های متراکم شده برای تخفیف بحران، تشدید شده و برداشته مخاصمات آنها افزوده شده است. امپریالیسم آمریکا که در دوران پس از جنگ جهانی دوم به صورت قدرت بلامنازع اقتصادی و سیاسی اردوگاه امپریالیستی درآمد بود حتی بخشهایی از بازارهای اروپایی را تحت سیطره خود در آورده بود، علیرغم اینکه هنوز سرکردگی خود را در اردوگاه امپریالیسم حفظ کرده است، اما طی سالهای اخیر بویژه از اوایل دهه هشتاد موقعیت گذشته خود را تا حدودی از دست داده و تضعیف شده است.

امپریالیسم آمریکا نه فقط در جنگل بیکر کود اقتصادی گرفتار گردیده بلکه به تبع آن در عرصه های مالی و تجاری نیز با یک بحران روبرو است. ارزش دلار طی سالهای اخیر مداوما کاهش یافته است. کسری بودجه در ۱۹۸۸ به ۱۵۵ میلیارد دلار رسید. کسری ترازی زرگانی به ۳۶۸ میلیارد دلار رسیده است. تحت چنین شرایطی امپریالیسم آمریکا نه فقط در تلاش است با زارهای را که تحت سیطره انحصارات آمریکایی قرار دارند حفظ نماید بلکه با توسل به سیاستهای مختلف اقتصادی می کوشد بخشی از بار بحران خود را به دوش رقبای امپریالیست اروپایی و ژاپنی بیاندازد. انحصارات اروپایی و ژاپنی نه فقط در برابرین تلاشهای امپریالیسم آمریکا بمقابله برخاسته اند بلکه سهم بیشتری از بازار جهانی را طلب میکنند. رقابت میان گروه بندیهای امپریالیستی طی دو سال اخیر مرحله ای رسیده آنها آشکارا از یک جنگ تجاری سخن بمیان آوردند. اکنون کشورهای عضو بازار مشترک اروپا یک بلوک بندی امپریالیستی نیرومندی را در برابر امپریالیسم آمریکا و ژاپن تشکیل داده و با طرح بازار واحد اروپایی خود را برای یک مقابله جدی تر و حادتر آماده می کنند. امپریالیسم ژاپن نیز علیرغم اینکه طی چند سال گذشته بخشی از بازارهای انحصارات اروپایی و آمریکایی را قبضه کرده است، اما به بازارهای موجود قانع نیست و در پی کسب سهم بیشتری از بازار جهانی است. این حقایق نشان میدهد که تضاد میان بلوک بندیهای امپریالیستی در حال تشدید شدن است.

توام با تشدید تضاد میان بورژوازی و پرولتاریا در کشورهای امپریالیست و نیز تشدید تضاد های درونی اردوگاه امپریالیسم و انحصارات بین المللی، تضاد دیگری در مقیاس جهانی عمل می کند که بر روند تحولات جهانی و سیاستهای بین المللی تاثیر مسلم و برجسته ای دارد و آن تضاد میان اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه امپریالیسم است. در حالیکه امپریالیسم در نتیجه حاد شدن تضاد های موجود در هر کشور و حاد شدن امپریالیست و نیز کلیت اردوگاه امپریالیسم بیش از پیش به ارتجاع سیاسی و میلیتاریسم روی می آورد، سیاستهای ارتجاعی خود را علیه اردوگاه سوسیالیسم تشدید نموده و به آن اشکال تعرضی بخشیده است. این سیاست امپریالیستی که در اساس از مبارزات امپریالیستی و تضاد آشتی ناپذیر آن با اردوگاه سوسیالیسم ناشی می گردد، در شرایط کنونی بویژه از آنجهت اشکال تعرضی بخود گرفته که اردوگاه سوسیالیسم در نتیجه بیکر شده مسائل که ناشی از رشد انحرافات در کشورهای سوسیالیستی است، موضعی تدافعی در غلطیده است.

واقعیت این است که رشد انحرافات، در کشورهای اردوگاه سوسیالیسم طی چند دهه گذشته که مشخصا به دوران خروش فاشیسم و زیمگر دمنجر به رشد چنان تضادهایی شده است که هم اکنون برخی کشورهای سوسیالیستی با یک بحران سیاسی روبرو هستند. آنها نه فقط درگیر معضلات ناشی از این انحرافات می باشند بلکه در عرصه سیاست خارجی نیز به یک سیاست سازشکارانه و حتی راست تر از گذشته روی آورده اند. در پیشاپیش این کشورها اتحاد شوروی قرار دارد که تحت رهبری حزب کمونیست و گورباچف در تلاش است تا مناسبات خود را با امپریالیسم بهبود بخشد. و از حدت تضاد میان دوا اردوگاه بکاهد. گذشته از این ابتهکارات اتحاد شوروی در زمینه خلع سلاح هسته ای که از حمایت عموم کارگران و زحمتکشان سراسر جهان برخوردار است و طبیعتا از جانب هر نیروی انقلابی مورد تأیید و پشتیبانی قرار می گیرد، جوانب دیگری سیاست خارجی جدید اتحاد جماهیر شوروی که بر مبنای فرمول برسمیت شناختن منافع متقابل یعنی حصول توافق با امپریالیسم و برسمیت شناختن منافع فاشیستی و تجارانه اردوگاه است، تنظیم شده است، نه فقط تاثیرات منفی بر رشد انقلابات پرولتاری و جنبشهای رها بی بخش خلقها و ملت های تحت استعمار جای خواهد گذاشت، بلکه به سیاستهای ارتجاعی امپریالیسم علیه اردوگاه سوسیالیسم میدان داده است. امپریالیسم بردارانه سیاستهای تعرضی خود علیه اردوگاه افزوده است. لذا تضاد میان دوا اردوگاه نتوانسته و نمی تواند تخفیف یابد. تجربه چین نیز بارزترین گواه این حقیقت است. علیرغم امتیازات متعددی که چین توام با سیاستهای اپورتونیستی و راست-روانه خود به امپریالیستها داده بود بمحض اینکه با دست کشیدن از استراتژی سه جهان در جهت بهبود مناسبات خود با کشورهای اردوگاه سوسیالیسم بویژه اتحاد جماهیر شوروی گام برداشت، تضاد میان این کشور با دول امپریالیست بویژه امپریالیسم آمریکا حاد گردید. امپریالیسم آمریکا با تمام قوا به پشتیبانی از جریاناتی برخاست که خواستار بسط و گسترش رفرم یعنی بسط دامنه مناسبات سرمایه داری و لیبرالیسم سیاسی بودند. بنا بر این امتیازاتی که کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی طی دو سال گذشته در زمینه سیاست خارجی امپریالیسم داده اند نه تنها نمی تواند تضاد میان دوا اردوگاه را که دارای خصلت آنتاگونیستی است تخفیف دهد بلکه با میدان دادن به تعرض امپریالیسم، این تضاد را تشدید خواهد کرد.

وبالآخره در بررسی اوضاع سیاسی جهان تضادهایی که از ما هیت عصر کنونی ناشی میگردند



با یدبه تشدیدتضاد میان امپریالیسم و خلقهای کشورها تحت سلطه و وابسته اشاره کرد. امپریا - لیسم که در جنگل یک بحران همه جانبه گرفتار است، بر دامنه و ابعاد تاریخی و خودر کشورها تحت سلطه و وابسته افزوده است و میکوشد از طریق غارت و چپاول و استثمار کارگران و زحمتکشان این کشورها بحرانهای خود را تخفیف دهد و از حسد تضادهای درونی خود بکاهد. صدور سرمایه های امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه و وابسته با چنان ابعادی از غارت و استثمار همراه است که مطابق محاسبات سازمانهای بین المللی، طی یک دوره کوتاه ۸ ساله، انحصارات امپریالیستی در ازماء هر دلار سرمایه گذاری در کشورهای فوق الذکر بطور متوسط دودلار سود برده اند. بعلاوه انحصارات بین المللی از اوائل دهه ۸۰ مداوماً قیمت مواد اولیه، محصولات کشاورزی و تولیدات معدنی را کاهش داده که این کاهش تنها در فاصله دوسال به ۲۰ درصد رسیده است.

کشورهای تحت سلطه و وابسته که در تقسیم کار سیستم جهانی اقتصاد امپریالیستی نقش تولیدکننده مواد اولیه و خام را بر عهده دارند و اساساً درآمد آنها متکی به یک یا دو محصول می باشد، از این طریق نیز در معرض غارت و چپاول انحصارات بین المللی قرار گرفته اند. اما مسئله تنها بهمین جا ختم نمی شود. امپریالیستها از طریق صدور سرمایه های استقراری به کشورهای تحت سلطه که با نرخ بهره سنگینی همراه است و اغلب نیز در جهت حفظ سلطه امپریالیسم خرج میشود، سودهای بسیار کلانی بجمع آورده و میزنند. رقم بدهی کشورهای عقب مانده به دول و انحصارات امپریالیستی که در ۱۹۷۰ به ۱۸۰ میلیارد دلار رسیده بود، در یک دوره ده ساله به بیش از ۵ برابر افزایش یافت و در ۱۹۸۰ به ۱۰۰۰ میلیارد دلار رسید. هم اکنون رقم این بدهی از ۱۲۰۰ میلیارد دلار نیز تجاوز کرده است. با راضی این غارت و چپاول امپریالیستی بردوش کارگران و زحمت کشان کشورهای تحت سلطه و وابسته قرار دارد که توسط انحصارات امپریالیستی و بورژوازی داخلی کشورهای فوق الذکر به شدیدترین وجه ممکن استثمار میشوند و با فقر و بدبختی غیر قابل تصویری دست به گریبانند. امپریالیسم نه فقط به غارت و چپاول و استثمار خلقهای کشورهای تحت سلطه می پردازد بلکه از طریق بورژوازی و وابسته داخلی و رژیم های دست نشانده و ارتجاعی به سرکوب توده های مردم می پردازد. این مجموعه سیاستهای غارتگرانه، استثمارگرانه، تجارکارانه و سرکوبگرانه امپریالیسم، تضاد میان خلقها و ملت های کشورهای تحت سلطه و وابسته را بسا امپریالیسم تشدید و دوا نموده و نبردهای بخش خلقهای این کشورها علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی پیوسته اعتلایافته است. امپریالیسم که علیرغم استغاده از تمام ابزارهای نظامی و سرکوب ناتوانی اش را در برابرین موج عظیم جنبشهای

رها می بخش نشان داده و مکرر با شکست روبرو شده است، اخیراً علاوه بر مدخله مستقیم و غیر مستقیم نظامی، و حمایت از رژیم های ارتجاعی، تلاش نموده است تا با توسل به سیاست باصطلاح لیبرالیست سیون در برخی از کشورهای وابسته، تعویض دیکتاتوریهای عربیان با دیکتاتوریهای پوشیده، این تضاد را تخفیف دهد و از دامنه اعتلاء جنبشهای رها می بخش بکاهد. اما تجربه بدر گذشته نیز نشان داده است که این مانور امپریالیسم برای فریب خلقهای کشورهای تحت سلطه و تخفیف تضاد میان خلق و امپریالیسم در این کشورها کار ساز نبوده و نیست. ما دام که امپریالیسم به غارت و چپاول و استثمار خود ادامه میدهد یعنی ما دام که امپریالیسم وجود دارد، این تضاد مداوماً تشدید میشود.

در نتیجه مجموعه شرایط سیاسی جهان و تشدید تضادها و بحرانهای نظام امپریالیستی، هم اکنون مناطق وسیعی از جهان به کانونهای بحران تبدیل شده اند. این کانونهای بحران انقلابی هم اکنون در تعدادی از کشورهای آمریکا، لاتین، آسیا و آفریقا به رشد و اعتلاء یکرشته انقلابی تا انجامیده است. امپریالیسم در آمریکا مرکزی و جنوبی با یک موج نیرومند از جنبشهای رها می بخش روبروست. این جنبشها در تعدادی از این کشورها به شکل جنبشهای مسلحانه توده ای درآمد یافته اند. پس از نیکاراگوئه اکنون جنبش مسلحانه خلق السالو دور در این قاره پیشتاز می باشد. در آسیا جنبش انقلابی خلق فیلیپین علیرغم مانورهای فریبکارانه و سرکوبگرانه امپریالیسم و بورژوازی داخلی در حال رشد و اعتلاء است. افغانستان همچنان خاری در چشم امپریالیسم و تمامی مرتجعین منطقه است. علیرغم خروج نیروهای شوروی از افغانستان، تمام تلاشهای مرتجعین سراسر جهان برای سرنگونی نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات در این کشور، و حمایت بی دریغ مادی، تسلیحاتی، تبلیغاتی و سیاسی امپریالیسم و ارتجاع منطقه بویژه رژیمهای ایران، عربستان و پاکستان از ضد انقلابیون افغان، مقاومت و ایستادگی خلق قهرمان افغانستان ابعاد جدیدی بخود گرفته است و امپریالیسم با زهم با شکستهای دیگری روبرو شده است. در خاور میانه، جنبش انقلابی خلق فلسطین طی دوسال گذشته از اعتلاء جدیدی برخوردار شده و قیام همگانی توده ای در منطقه اشغالی که متجاوزان یکسال تداوم یافته و حمایت و پشتیبانی افکار عمومی را نیز در مقیاس جهانی برانگیخته، به مرحله ای رسیده است که حتی امپریالیسم و رژیم صهیونیستی اسرائیل را نیز به چاره جوئی واداشته است. مسئله تشکیل دولت مستقل فلسطینی که به تصویب پارلمان در تبعید فلسطین رسید، هر چند گام محدودی در جهت احقاق حقوق مردم فلسطین و حق تعیین سرنوشت آنها محسوب می گردد، اما قطعاً سرنوشت آنها در پیروزی جنبش مردم

فلسطین محسوب می گردد. در بطن مجموعه تحولاتی که اخیراً در جهت رشد و اعتلاء جنبشهای انقلابی در منطقه خاور میانه صورت گرفته است به یک عامل مهم نیز باید اشاره کرد و آن تضعیف روز افزون جنبشهای پان اسلامیست در مقایسه با چند سال گذشته است. شکستهای روز افزون پان اسلامیسم و بر ملا گذشتن هر چه بیشتر ما هیئت ارتجاعی آن بویژه در پایگاه اصلی اش ایران، این امکان را تقویت کرده است که جنبشهای مردم منطقه تحت رهبری جریانهای انقلابی قرار بگیرند. امپریالیسم چندین سال مداوم تلاش نمود تا از طریق پان اسلامیسم جنبشهای ضد امپریالیستی - دمکراتیک و انقلابی مردم کشورهای منطقه را با تحریف بکشاند. اما اکنون این حربه نیز از دست امپریالیسم گرفته میشود.

در منطقه خاور میانه، ایران که ده سال پیش با یک انقلاب توده ای ضربه ای سهمگین بر پیکر امپریالیسم وارد آورد، اما بدست مرتجعین پان اسلامیست از مسیر خود منحرف گردید، بار دیگر در نتیجه شرایط مساعد داخلی و بین المللی مستعدترین کشور منطقه برای یک انفجار انقلابی است. ده سال حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی در ایران که همراه با تشدید فقر و بدبختی، جنگ، بی حقوقی مردم و سرکوب عیان گسیخته آنها بوده است تضادهای اجتماعی را به سرحد انفجار رسانده است. طی دوسالی که از نخستین کنفرانس سازمان گذشت، صحت ارزیابی ما از اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران عملاً نشان داده شد و بار دیگر بین حقیقت با ثبات رسید که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ چشم اندازی برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی متصور نیست. بحران اقتصادی نه تنها بر طرف نشد و حتی تشدید و عمیق تر، ژرف تر و عمیق تر گردید و از هم گسیختگی اقتصادی شدت گرفت. علیرغم اینکه یکسال از برقراری آتش بس در جبهه های جنگ می گذرد، برخلاف تبلیغات سران حکومت، کود در صنایع و موسسات تولیدی تشدید شده است. حتی برخی از کارخانه ها و موسسات که در خدمت تامین نیازهای جنگی قرار داشتند فعالیت خود را متوقف ساخته، یا تولیدات را کاهش داده اند. امروزه کمتر کارخانه و موسسه تولیدی را میتوان سراغ گرفت که بخش از نیمه از ظرفیت خود تولید داشته باشد. موسسات تولیدی یا بکل تعطیل شده و یا با ظرفیتی کمتر از ۵۰ درصد فعالیت می کنند. احتمال متوقف شدن تمام فعالیت برخی از موسسات دیگر نیز وجود دارد. روزنامه های رسمی رژیم همه روزه اخبار جدیدی از تعطیل کارخانه ها و موسسات تولیدی منتشر می کنند. مطابق اظهار نظر مقامات حکومتی ظرفیت تولید در واحدهای تولید فولاد ۶/۳ میلیون تن است. اما در حال حاضر تنها ۱/۲ میلیون تن تولید میشود. علیرغم اینکه دوسال پیش اغلب موسسات و کارخانجات صنعتی با ظرفیتی کمتر از ۱۵ درصد

قطعنامه درباره وضعیت کنونی،
وظایف و تکالیف ما

نظریه اینک:

- بحران ژرف و مزمن اقتصادی که طی ده سال گذشته پیوسته ادامه داشته، با تشدید روز افزون روبروست.

- این بحران با افزایش تعداد دیکاران، تشدید و خامت وضعیت کارگران، خانه خرابی و ورشکستگی دهقانان زحمتکش و تورم افسار گسیخته، شرایط مادی زندگی توده ها را بد غیر قابل تحملی و خیم و دشوار نموده است؛

- رژیم جمهوری اسلامی بنا به ما هیست طبقاتی و خصلت مذهبی اش عموم توده های مردم ایران را از ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی محروم نموده و برای حفظ و بقا حاکمیت خویش به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب، ترور و خفقان متوسل گشته و با برقراری یک دیکتاتورى عریان و عنان گسیخته این حقیقت را در برابر توده های مردم عیان و آشکار ساخته است که با وجود این رژیم هیچ امیدی به کسب آزادی و دمکراسی وجود ندارد،

- این تشدید و خامت شرایط مادی و معنوی توده ها مدام و ادامه نارضایتی و اعتراض افزوده و زمینه را برای تشدید بحران سیاسی به شکلی حادث و گسترده تر هموار نموده است،
- بر بستر بحران اقتصادی و سیاسی موجود تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه مدام و متضاد و عمیق تر شده اند و این تضادها و اختلافات

با توجه به مرگ خمینی، در آینده نیز تشدید خواهد شد و بر دامنه و عمق بحران سیاسی خواهد افزود، لذا چشم انداز بکبحران سیاسی بسیار ژرف، اعتلا جنبش توده ای و تشدید مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم در برابر ما قرار گرفته است.

تحت چنین شرایطی طرح شعارهای مستقیما انقلابی، پیوند مطالبات روزمره با مطالبات بلا واسطه انقلابی، متشکل ساختن توده های مردم حول برنامه حداقل پرولتاریا و طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بمنظور برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بعنوان وظیفه ای مبرم در دستور کار قرار گرفته است.

انجام این وظایف، سازماندهی هر چه وسیعتر کارگران و زحمتکشان، تبلیغ برنامه پرولتاریا در میان وسیع ترین بخش توده های مردم و افشای و انفراد لیبرالیسم و فرمیسرا طلب می کند.

اشکال سازماندهی ما در شرایط کنونی که از یکسوسرکوب عنان گسیخته و سلب هرگونه آزادی حاکم است و از سوی دیگر چشم انداز اعتلای جنبش توده ای در برابر ما قرار دارد، عبارت است از سازماندهی و تحکیم حوزه های مخفی حزبی در محل کار و روزنگی کارگران و زحمتکشان، در کارخانه ها و محلات که توسط یک شبکه از حوزه های علنی کار، تشکلهای قانونی و علنی احاطه شده باشند.

این بدان معناست که از یکسوی بخشی از

حوزه های حزبی مخفی و غیر قانونی تشکیلات بدون آنکه هویت تشکیلاتی خود را افشای سازند باید بتوانند با فعالیت علنی در تشکلهای علنی که در شرایط کنونی موجود بوده و یا امکان سازماندهی آنها وجود دارد نظیر مجامع عمومی کارگری، سندیکاها، تعاونی های کارخانه ها و محلات، صندوقهای مختلف، کلوبها و کانونهای ورزشی کارگری، کتابخانه ها و کانونهای فرهنگی و کلیه تشکلهای قانونی کارگری که به ابزاری سرکوب و تحمیق کارگران تبدیل نشده اند خلاصه استفاده از هر امکان قانونی و علنی که امکان سازماندهی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را تسهیل می نماید، نقشی فعال در امر سازماندهی ایفاء نمایند.

از سوی دیگر بخشی از حوزه های مخفی حزبی که وظایف تبلیغ و ترویج سازماندهی را به شکل علنی و قانونی بلکه بشکل مخفی و غیر قانونی انجام میدهند، باید نقش فعالتری در سازماندهی کمیته های غیر حزبی مخفی کارخانه برعهده گیرند. این کمیته های کارخانه که بنا به شرایط مختلف از جمله سطح آگاهی کارگران فشار ریلیسی و غیره می توانند در برگیرنده تعداد بیشتری از کارگران باشند، بویژه از آن جهت حائز اهمیت اند که در وضعیت کنونی میتوانند با توجه به سطح مبارزه کارگران، مبارزه اقتصادی و سیاسی آنها را سازماندهی و رهبری کنند، و در عین حال قادرند در شرایط اعتلا جنبش کارگری سریعاً به کمیته های اعتصاب و اسپیس شوراها ارتقاء یابند. در صفحه ۱۲

پیام شرکت کنندگان در دومین کنفرانس به طبقه کارگر
از صفحه ۲۰

در این میان وظیفه ای با زهم سنگین تر از گذشته در برابر کارگران پیشرو آگاه قرار دارد و آن تلاش هر چه بیشتر برای متشکل کردن توده های کارگر، آگاه نمودن آنها برفع طبقاتی خود و نقش و رسالت طبقه کارگر است.

رفقای کارگر پیشرو آگاه به منافع طبقاتی خود باید با استفاده از تمام وسایل و ابزارهای ممکن، توده های کارگر را در تشکلهای علنی و مخفی متشکل سازند و آماده کنند. شرایط سرکوب و اختناق حاکم ایجاب میکند که کارگران برای پیشبرد مبارزه خود در کمیته های مخفی کارخانه متشکل شوند کمیته های کارخانه که امروزه میتوانند با توجه به اوضاع سیاسی موجود، مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر را سازماندهی و رهبری کنند، از جهت نیز حائز اهمیت اند که در آینده و بهنگامی که جنبش از اعتلاء گسترده ای برخوردار گردید، قادرند به کمیته های اعتصاب و شوراها ارتقاء یابند. اما تا کید بر ضرورت و اهمیت کمیته های مخفی کارخانه در وضعیت کنونی، هرگز بمعنای فراموش کردن نقش تشکلهای توده ای علنی و قانونی نیست. هر کارگر پیشرو آگاهی باید تلاش کند که از همه امکانات و ابزارهای علنی و قانونی برای متشکل کردن توده کارگر و آگاه نمودن آنها استفاده کند. باید در هر کجا که امکان تشکیلی اتحادیه های کارگری، مجامع و کانونهای فرهنگی و ورزشی کارگری، صندوقهای مختلف، تعاونیها و غیره وجود دارد، از این طریق به متشکل ساختن کارگران همت گماشت. حتی باید از تشکلهای قانونی موجود بین شرط که حقیقتاً تشکل هائی توده ای باشند و به ابزار سرکوب و تحمیق تبدیل نشده باشند حداکثر استفاده را برای متشکل نمودن کارگران کرد. طبقه کارگر برای آنکه بتواند نقش و رسالت خود را انجام دهد، راه دیگری جز تشکل ندارد.

رفقای کارگر!

متشکل شوید! مبارزه خود را علیه رژیم و سرمایه داران تشدید کنید! اجازه ندهید اقشار و طبقات غیر پرولتاریا سنجش قرار بگیرند! اینکار عمل را درست بگیرید!

سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک بعنوان هدف فوری طبقه کارگر تنها و تنها با رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است. این وظیفه ایست که در شرایط کنونی در برابر طبقه کارگر ایران قرار گرفته است.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم

شرکت کنندگان در دومین کنفرانس سازمان چریکهای فدائى خلق ایران (اقلیت)

خردادماه یک هزار و سیصد و شصت و هشت

برنامه مصوب دومین کنفرانس

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگری بطور خاص و از موضع طبقه کارگر، مدافع منافع عموم توده های زحمتکش ایران است، اهداف و مقاصد خود را آشکارا بصورت یک برنامه اعلام می دارد.

این برنامه که در حقیقت کفایت خواست کارگران ایران علیه نظام مبنی برستم و استثمار سرمایه داری و سند محکومیت قطعی این نظام محسوب می شود، در عین حال، اعلان جنگی به تمام سرمایه داران و کلیه مرتجعینی است که مدافع وضعیت فلاکتبار کنونی و نظام مبنی بر بردگی کارمزدوری هستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، به منظور تحقق این اهداف که چیزی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استثمار شده و ستمدیده ایران را به تشکیل و اتحاد حول این برنامه فرامی خواند.

☆ ☆ ☆

۱- توسعه مبارزه بین المللی و تولید برای بازار جهانی، آنچنان مناسباً تنزدیکی میان تمام ملت های جهان بوجود آورده است که جنبش های بخش کبیر پرولتاریا، بنا گزیرمی با یستی بین المللی شود و از مدت ها پیش نیز بین المللی شده است.

ما بمثابه ادامه دهندگان راه حزب کمونیست ایران که در سال ۱۲۹۹ تا سپس گردید و یگانه سازمان طبقاتی انقلابی کارگران ایران بود، خود را گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا و بخشی از جنبش کمونیستی جهانی تلقی می نمایم و برای همان هدف های مبارزه می کنیم که کمونیست های سرسرجهان.

این هدف های بوسیله خصلت جا معه سرمایه داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۲- شیوه تولید سرمایه داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالائی مبنی بر روابط تولید سرمایه داری است و در آن مهمترین و اساسی ترین بخش وسائل تولید و مبارزه با اقلیتی محدود تعلق دارد، در حالیکه اکثریت جمعیت مرکب از پرولترها و نیمه پرولترها بنا به موقعیت اقتصاد خرد و ناگزیرند بطور مداوم یا متناوب نیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشند و استثمار شوند و با کار خود در آمد طبقاتی و ثروت مند را بوجود آورند، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران بوقوع پیوست، مسلط شد.

۳- این تحولات که بر مبنای رشد تدریجی و طولانی مناسباً تولید کالائی و نیز نیاز سرمایه های امپریالیستی صورت گرفت، مناسباً تولید کالائی را تا اقصی نقاط کشور گسترش داد.

ایران که تا پیش از فرمهای اوائل دهه چهل به مثابه تولید کننده محصول واحد صنعت در سیستم جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه جانبه تر در نظام جهانی اقتصادی امپریالیستی ادغام گردید و آن وابسته شد.

۴- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه داری در ایران، که با صدور روز افزون سرمایه های امپریالیستی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیک های جدید همراه بوده است، بطور مداوم منجر به زمین بیرون رانده شدن موسسات کوچک بوسیله موسسات بزرگ شده است. تولید کنندگان کوچک که یا رای مقام تدبیر بر موسسات بزرگ راندارند، دائماً خانه خراب می شوند، برخی به پرولتاریا تبدیل می گردند، نقش دیگران در عرصه اقتصاد و اجتماعی محدود تری شود و در پاره ای موارد به نحو مشقتباری به سرمایه وابسته می گردند.

۵- پیشرفت های تکنیکی که سرمایه داران را قادر می سازد به نحو فزاینده ای از کار زنان و کودکان در پیرویه تولید و مبارزه استفاده کنند و نیز قدرت جذب بسیار محدود نیروی کار در سرمایه داری وابسته ایران سبب شده است که مدام تقاضای نیروی کار از عرضه آن عقب بماند، وابستگی

کارگرمزد بگیر به سرمایه افزایش یا بدو سرمایه داران امکان بیشتری بیا بند تا درجه استثمار کارگران را بالا ببرند.

از این رو وجود یک ارتش عظیم از مبارزان سبب شده است که کارگران با عرضه ارزان نیروی کار خود، در معرض ستم و استثمار شدیدتری قرار گیرند و سطح استثمار آنها فوق العاده افزایش یابد.

۶- بحران های اقتصادی که بر اثر تضاد ذاتی سرمایه داری به نحو اجتنابنا پذیری بطور مداوم و کم سابقه ای تشدید می شوند و طولانی تری می گردند، این روند را با زهم بیشتر شدت می بخشند. بحرانها و دوره های رکود، از یک سو خانه خرابی تولید کنندگان خرد را تشدید می کنند و از سوی دیگر وابستگی کارگرمزد بگیر به سرمایه افزایش می یابد و با سرعت بیشتری منجر به و خامت نسبی و گاه مطلق وضعیت طبقه کارگرمزدگیر می گردند. فقر و بدبختی، عدم اعتماد به آینده و فقدان تائید اجتماعی به نحو روز افزونی بیشتر می شود و نابرابری و شکاف میان ثروتمندان و تهیدستان مدام عمیق تر و وسیع تر می گردد.

۷- از این رو به نسبت تضاد های ذاتی سرمایه داری رشد می کنند و توسعه می یابند، بر نارضایتی و اعتراض کارگران افزوده می شود، قدرت و همبستگی آنها افزایش می یابد، مبارزه آنها با استثمار کارگران تشدید می شود و تلاش برای رهایی از یوغ تحمل نا پذیر سرمایه بیشتر می شود. در عین حال روند توسعه سرمایه داری با تمرکز بخشیدن به وسائل تولید و مبارزه و اجتماعی کردن پیرویه کار در موسسات سرمایه داری، بطور مداوم امکان مادی جایگزینی روابط تولید سوسیالیستی به جای روابط تولید سرمایه داری، به عبارت دیگر شرایط مادی انقلاب اجتماعی را که هدف های اصلی تمام فعالیت های کمونیست ها است، هر چه بیشتر فراهم میسازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریائی با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به جای مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و مبارزه اجتماعی سازمان یافته و برنامه ریزی شده، به نابرابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جا معه به طبقات پایه ای و خواهد بخشید و بدین ترتیب تمام بشریت ستمدیده را آزاد خواهد کرد.

۹- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی پرولتاریائی، دیکتاتور پرولتاریاست که طبقه کارگر را قادر می سازد تا سرمایه داران را درهم شکند و تمام موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار داده، از میان بردارد.

۱۰- رهایی طبقه کارگر تنها بدست خود طبقه کارگرمیسراس است، چرا که تمام طبقات دیگر جا معه علیه غم اختلاف منافی که با خود دارند، همگامی خواهان حفظ شالوده های نظام سرمایه داری اند.

۱۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) وظیفه خود می داند که تضاد ذاتی نا پذیر میان کارگران و سرمایه داران را فاش سازد. اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چاره نا پذیری موقعیت توده های زحمتکش و استثمار شده دیگر را در جا معه سرمایه داری، و نیز نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهایی آنان از یوغ سرمایه آشکار سازد.

۱۲- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) تمام اقشار توده های زحمتکش و استثمار شده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می کنند به صفوف خود فرا میخواند.

۱۳- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) خود را موظف میدانند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر باشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا نیل به هدف های رهبری کند، تلاش ورزد.

۱۴- سرمایه داری جهانی تقریباً از آغاز قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه داریست تبدیل شده است که در آن اتحادیه های انحصاری سرمایه داران، کارتل ها و تراستها نقش تعیین کننده ای یافته اند.

رفرمیستی یا سوسیال شوونیستی تکامل نیافته اند، در جنبش کمونیستی جای دارند.

- یگانه خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که ما مدافع پیگیر آن هستیم مارکسیسم - لنینیسم را یگانه ایدئولوژی طبقه کارگر می شناسد و با پذیرش عصر کنونی به عنوان عصر انقلابات پرولتری، و نیز انقلاب قهری، دیکتاتور پرولتاریا و اردوگاه سوسیالیستی به مثابه متحد جهانی پرولتاریا، با "اوروکمونیسم" "ترتسکیسم" "خروشچیفیسم" و تمامی انحرافات مصوبه های کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، (نظیر گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم، تز راه رشد غیر سرمایه داری خروشچیفی، رقابت اقتصاد دی به عنوان مهمترین قلمرو نبرد و اردوگاه، دولت و حزب عموم خلق...) و نیز مداخلات استراتژی "سه جهان" و احیای سرمایه داری در شوروی، مرز بندی قاطع دارد.

- از اینرو خط مارکسیستی - لنینیستی، خط انترناسیونالیستی و انقلابی پرولتری ما بر مبنای اتحاد دو همکاریمان با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی، دشمنی و مبارزه قاطعانه با خطوط اپورتونیستی - رفرمیستی و سوسیال شوونیستی و با حفظ موضع مستقل، اتحاد دومبارزه ایدئولوژیک با جریاناتی که به گرایشات انحرافی رویزیونیستی دچار شده اند، استوار می باشد.

* کمونیستهای کشورهای مختلف در راه اهداف فئالی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه داری در سراسر جهان معین شده است ناکام خواهند بود زیرا تا زمانی که نظام فئالی غیر متشابه اند، زیرا سرمایه داری در تمام کشورهای یک درجه توسعه نیافته و در کشورهای گوناگون، سرمایه داری در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می یابد.

در ایران جایی که سرمایه داری هم اکنون به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است به سبب سلطه امپریالیسم، وابستگی اقتصاد و بقایای متعبد نظام مائیت قبل سرمایه داری که موانع عمده ای بر سر راه پیشرفت اقتصاد و بسط کامل و همه جانبه طبقاتی پرولتاریا محسوب میشوند، مستقیم اقتصاد و سیاسی که بر میلیونها تن از توده های مردم اعمال میشود و دیکتاتور عریان و عنان گسیخته ای که بمثابه جزء لاینفک روبنای سیاسی سرمایه داری وابسته، توده وسیع مردم را در نا آگاهی و انقیاد نگاه داشته است، پرولتاریای ایران نمی تواند هدف فوری خود را انقلاب سوسیالیستی قرار دهد.

- بدین جهت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و یگانه اجتماعی آن (بورژوازی وابسته) قطع هرگونه وابستگی اقتصاد و سیاسی و نظامی به امپریالیسم و دمکراتیزه کردن جامعه را به منظور تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم و وظیفه نخست و فوری خود قرار می دهد.

* انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریای سوسیالیستی محسوب می گردد.

- جمهوری دمکراتیک خلق که حاصل قیام مسلحانه توده ها و تلبور اراده آنها محسوب می گردد، یک دمکراسی توده ای است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده ها جایگزین بوروکراسی، ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم، خواهد شد.

- از اینرو در جمهوری دمکراتیک خلق:
۱- ارتش، پلیس، سپاه، کمیته ها، بسیج، ژاندارمری و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح عمومی خلق و ارتش توده ای جایگزین آنها خواهد گردید.

۲- تمام دستگاه بوروکراتیک برچیده خواهد شد و اعمال حاکمیت در صفحه ۱۳

- در این مرحله از تکامل سرمایه داری، سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی ادغام شده، صدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعا دوسیمعی بخود گرفته، جهان از نظراتی بین کشورهای امپریالیست تقسیم گشته و تقسیم اقتصاد جهانی بین تراستهای بین المللی آغاز شده است.

در این مرحله از تکامل سرمایه داری، جنگهای امپریالیستی که با رزترین آنها جنگهای جهانی اول و دوم بوده است برای تسلط بر جهان، کسب بازارهای جدید و انقیاد ملل کوچک و خلقهای عقب مانده اجتناب پذیر شده است. امروز سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم آمریکا به مثابه سنگر اصلی ارتجاع جهانی و ژاندارم بین المللی برعهده گرفته است، که مسابقه تسلیحاتی امپریالیستهای جنگ طلب راهبری میکند، بلوکهای متجا و نظامی را تحکیم می بخشد، دست به ماجراجویی نظامی میزند و خطر بروز یک جنگ هسته ای را تشدید می کند.

- امپریالیسم آمریکا اصلی ترین دشمن مشترک کلیه نیروهای سوسیالیست است که در راه استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم پیکار می کنند.

- سطح فوق العاده بالای تکامل سرمایه داری جهانی، جایگزینی رقابت آزاد سرمایه داری انحصاری، افزایش هزینه های زندگی، رشد میلیتاریسم و هزینه های ناشی از آن، موانع بزرگی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصاد و سیاسی طبقه کارگر پدید آورده است، فقر، خانه خرابی و عدم اعتماد به آینده، همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابات سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نموده است. این عصر مدتهاست که آغاز شده و شکوه مندترین نمود آن انقلاب پیروزمند کمپری سوسیالیستی اکتبر در روسیه، انقلابات شرق اروپا، جنوب شرقی آسیا، آمریکا لاتین و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسیالیستی در مقابل اردوگاه امپریالیسم است.

- تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی میتواند بشریت را از شر جنگها و تمام مصائبی که امپریالیسم به بار آورده است رها می بخشد.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریائی، امر آمانده نمودن همه جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است.

انجام این وظیفه، مبارزه بی رحمانه علیه تمام اشکال اپورتونیسم را که به صور مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا، رسالت تاریخی و هدف فئالی آن محسوب می گردند و گسست قطعی از هرگونه اپورتونیسم را می طلبد. از دیدگاه سازمان ما:

- خط اپورتونیستی - رفرمیستی که با نفی نظریه یا عملی انقلاب قهری و دیکتاتور پرولتاریا، مارکسیسم - لنینیسم را از جوهر انقلابی اش تهی ساخته و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتری نموده است، نظیر اوروکمونیسم در کشورهای اروپائی و سوسیال - رفرمیستهای نظیر حزب توده و "اکثریت" در ایران.

- خط سوسیال - شوونیستی، یعنی سوسیالیست در گفتار و شوونیست در کردار و نیز جریانات تر و تسکیست که اعمال خرابکار بورژوازی بین المللی در جنبش طبقه کارگر محسوب میشوند، چمگلی خائن به طبقه کارگر و بطور کلی مرتد محسوب میشوند.

- بعلاوه امروزه در جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمانهای نیز وجود دارند که گرچه از مارکسیسم - لنینیسم منحرف شده اند، اما این انحرافات منجر به تسلط خط اپورتونیستی - رفرمیستی یا سوسیال - شوونیستی در این احزاب و سازمانها نشده است بلکه به گرایشات انحرافی رویزیونیستی راست (نظیر احزاب کمونیست شوروی، آلمان دمکراتیک و چکسلواکی) و یا چپ (نظیر حزب کمونیست آلبانی) در غلطیده اند. از اینرو امکان تغییر و اصلاح در آنها وجود دارد و ما مسک به یک جریان اپورتونیستی -



اساسنامه مصوب دومین کنفرانس

فصل اول - نام، اهداف و پرچم سازمان.

ماده ۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر، یکسازمان مارکسیست-لنینیست است که هدف خود را سوسیالیسم و کمونیسم از طریق دیکتاتوری پرولتاریا اعلام می دارد. به علاوه پرورش روحیه انترناسیونالیستی و همبستگی با کارگران سراسر جهان از جمله اهداف دیگر سازمان به شمار می آید. رهنمون عمل سازمان در کلیه فعالیتها، انقلابی است، مارکسیسم-لنینیسم است که به طبقه کارگر راه صحیح پایان بخشیدن به استثمار فردا ز فردا آزادی کامل این طبقه را نشان میدهد.

ماده ۲- آرم و پرچم سازمان.

بند ۱- آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) یکداس و چکش متقاطع، مسلسل، ستاره، کره ارض و نقشه ایران است. در قسمت زیر آرم، یک نوشته مدور "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" خواهد بود.

بند ۲- پرچم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) یک پرچم سرخ است که طول آن یکونیم برابر عرض آن می باشد. گوشه بالای سمت چپ پرچم، آرم سازمان به رنگ سفید خواهد بود.

فصل دوم - درباره اعضا و کاندیداهای عضویت

ماده ۳- هرکس که برنامها و اساسنامه سازمان را بپذیرد، فعالانه در جهت تحقق آن مبارزه کند، در یکی از بخشهای تشکیلات فعالیت نماید، کلیه تصمیمات سازمان را اجرا کند و حق عضویت بپردازد و از کمیته عضویت سازمان درآید.

ماده ۴- حداقل سن برای عضویت در سازمان ۱۸ سال تمام می باشد.

ماده ۵- کلیه کسانی که خواستار پذیرش به عنوان کاندیدای عضویت در سازمان هستند، باید توسط دو عضو سازمان معرفی شوند.

ماده ۶- اعضا معرف کاندید در قبال صحت توصیه های خود مسئولند.

ماده ۷- ارگان تصمیم گیرنده پذیرش کاندیدای عضویت، کمیته هر بخش، شهرستان یا منطقه می باشد. این تصمیم باید به تصویب کمیته منطقه برسد.

ماده ۸- از زمانیکه یک فرد بعنوان کاندیدای عضویت پذیرفته شد دارای حقوق و وظایف یک عضو خواهد بود و در صورت انتخاب و انتخا ب شدن در ارگانهای سازمان

ماده ۹- دوره آزمایشی عضویت (از کاندیدای عضو) حداقل یکسال فعالیت در ایران است. پس از انقضای یکسال باید وضع کاندیداروشن شود. این تصمیم شامل قبول عضویت، تجدید دوره آزمایشی (به مدت یک سال) و یا رد عضویت بطور کلی خواهد بود.

- دوره آزمایشی عضویت برای کارگران ۶ ماه است. این دوره آزمایشی حداکثر ۲ بار تجدید میشود.

ماده ۱۰- پذیرش به عضویت سازمان تنها بصورت فردی انجام می گیرد و اعضای جدید از میان کاندیداهای عضویت پذیرفته میشوند.

ماده ۱۱- ارگان تصمیم گیرنده پذیرش عضویت، کمیته منطقه است. این تصمیم باید به اطلاع کمیته مرکزی برسد.

ماده ۱۲- کسانی که عضو سازمان دیگری بوده و یا قبول برنامهنیسه و اساسنامه سازمان تقاضای عضویت کنند، کمیته مرکزی به امر پذیرش آنها رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۱۳- عضوی که بخواهد استعفا دهد، استعفانا مه را به کمیته محل فعالیت خود تسلیم میکند، و احدا مربوطه در صورتیکه استعفا را پذیرفت، موضوع را به کمیته مرکزی گزارش می کند. اگر استعفا دلیل سیاسی داشته باشد یا استعفا کننده مشمول اتهام و نقض جدی دیسیپلین سازمانی شود، استعفا می تواند رد شود و حکم به اخراج وی از سازمان داده شود.

ماده ۱۴- وظایف اعضا

بند ۱- هر عضو موظف است کلیه مفاد اساسنامه، آئین نامه و ضوابط و

مقررات تشکیلاتی را اکیدا رعایت کند و از دستورات سازمانی متابعت نماید.

بند ۲- هیچکدام از اعضا سازمان حق ندارند عضویت سازمان سیاسی دیگری را بپذیرند.

بند ۳- صرف پذیرش تصمیمات سازمانی برای هر عضو کافی نیست، بلکه هر عضو وظیفه دارد فعالانه در جهت تحقق تصمیمات، سیاستها و رهنمودهای سازمانی مبارزه کند. برخورد منفعل به تصمیمات سازمان موجب تضعیف قدرت مبارزاتی سازمان میشود و مغایر با ماه کاری تشکیلاتی است. هر عضو سازمان با بیستی همیشه در قبال تصمیمات متخذه موضعی فعال و انقلابی داشته باشد.

بند ۴- دفاع قاطع از وحدت و انسجام سازمان که شرط اصلی توان و قدرت آن محسوب میگردد و مبارزه علیه هرگونه محفل گرائی، دسته بندی و فراسیونیسیم، از وظایف خطیر هر عضو می باشد.

بند ۵- هر عضو باید نمونه اخلاق کمونیستی را چه در محیط فعالیت خود و چه در محیط اجتماعی و زندگی فردی از خود ارائه دهد.

بند ۶- هر عضو موظف است منظم در جلسات تشکیلاتی خود شرکت نماید. در صورتی که عضو سازمان به مدت ۲ ماه بدون عذر موجه در جلسات شرکت ننماید، سازمان با بیستی مسئله ابقا او را در صفوف خود مورد بررسی قرار دهد.

بند ۷- تقویت مداوم پیوند با طبقه کارگر، واکنش مناسب و به موقع به نیازها و درخواستهای زحمتکشان، توضیح سیاست و تصمیمات سازمانی پیرامون مسائل اجتماعی به توده های غیر سازمانی و در درجه اول طبقه کارگر، از وظایف هر عضو می باشد. یک عضو سازمان باید با طرداشته باشد که قدرت و شکستناپذیری سازمان در پیوند حیات و ناکستنی آن با طبقه کارگر نهفته است.

بند ۸- حفاظت از اسرار، اسناد و اموال سازمان و وظیفه هر عضو محسوب میشود.

بند ۹- اعضا موظفند در ارتقاء کارائی های عملی خود سازمان بکوشند و پیوسته با مطالعه مارکسیسم-لنینیسم در جهت ارتقاء سطح آگاهی خود نهایت تلاش را مبذول دارند.

بند ۱۰- اعضا موظفند انتقاد و انتقاد خود را با دید کمکی به یکدیگر و بهبود کار فردی و جمعی بکار بندند و کلیه انتقادات خود را در هر زمینه فعالیت سازمانی و نسبت به هر عضو ارگان تشکیلاتی که باشد به ارگانهای بالاتر تا کمیته مرکزی گزارش کنند.

بند ۱۱- هر عضو موظف است مناسبات رفیقانه را در سازمان تقویت کند و روحیه همبستگی و رفقاقت را در سازمان پرورش دهد.

بند ۱۲- اعضا وظیفه دارند منافع طبقه کارگر و سازمان را بالاتر از منافع شخصی خود بدانند.

تبصره - کلیه موارد فوق از وظایف کاندیداهای عضویت نیز می باشند و در این موارد بین عضو کاندیدای عضویت تفاوتی وجود ندارد.

ماده ۱۵- حقوق اعضا

بند ۱- هر عضو سازمان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای سازمان را دارا می باشد.

بند ۲- هر عضو در آراء و فعالانه در بحثهای مربوط به سیاست سازمان در جلسات تشکیلاتی و بولتنهای بحث شرکت داشته باشد و اظهار نظر نماید.

بند ۳- هر عضو در جهت پیش برد اهداف سازمان در بالاترین حوزه فعالیت خود از تصمیمات متخذه ارگانهای تشکیلاتی و مسئولین مربوطه انتقاد کند و این ارگانها موظف به توضیحات قانع کننده در این زمینه می باشند.

میشود و مشمول تنبیه انضباطی است.

د- تنبیهات انضباطی که به منظور کمک به آموزش، تصحیح نواقص و اشتباهات، آگاهی به لزوم دیسپلین سازمانی، حفظ وحدت، انسجام و خلوص تشکیلاتی اعمال می گردند، در صورتی اتخاذ میشوند که شیوه های دیگر از جمله شیوه های اقناعی و انتقادی آنها را از خود موثر واقع نشده باشند. تنبیهات انضباطی بسته به خطاها و اشتباهات شامل موارد زیر می باشند:

- ۱- اخطار
 - ۲- توبیخ
 - ۳- برکناری از مسئولیت در سازمان
 - ۴- تعلیق عضویت حداکثر به مدت یک سال
 - ۵- اخراج
- تنبیه انضباطی علیه هر عضوی توسط ارگانی که به آن تعلق دارد، و یا ارگان بالاتر اتخاذ می گردند اما تصمیم به تعلیق و اخراج از سوی کمیته های سازمانی با یدیه تصویب کمیته مرکزی سازمان برسد.
- عضو اخراج شده سازمان تنها با تصمیم کمیته ای که اخراج را پیشنهاد نموده و تصویب کمیته مرکزی میتواند به سازمان بازگردد.
- در کلیه موارد تنبیه انضباطی، حق فرجام خواهی وجود دارد.
- در صورت نقض مدار و تصمیحات و سیاست سازمان از سوی کمیته های تشکیلاتی، یا نقض فاحش دیسپلین و فعالیت های ضد تشکیلاتی، کمیته مرکزی سازمان سیاست انضباطی به مورد اجرا درمی آورد و حتی دست به انحلال کمیته و ایجاد کمیته جدید میزند.
- فصل چهارم - ارگان های عالی سازمان
- ماده ۱۹ - کنگره سازمان.

بند ۱ - کنگره عالی ترین ارگان سازمان است و تصمیمات آن برای کلیه اعضا الزام آور می باشد.

الف - کنگره عادی سازمان هر دو سال یکبار توسط کمیته مرکزی سازمان فراخوانده میشود.

ب - کنگره اضطراری سازمان توسط کمیته مرکزی یا طبق مصوبه نشست نمایندگان کمیته های تشکیلات فراخوانده میشود. این نشست با درخواست اکثریت اعضای تشکیلات یک منطقه برگزار میشود.

تصوه: در صورتیکه کمیته مرکزی سازمان طی مهلتی که در اسامنامه ذکر شده است، کنگره عادی را فراخواند و یا از تقاضای برگزاری کنگره اضطراری توسط نشست نمایندگان کمیته های تشکیلات خودداری نماید، نمایندگان می توانند کمیته برگزارکننده کنگره تشکیل دهند. این کمیته از حقوق کمیته مرکزی برای برگزاری کنگره برخوردار خواهد بود.

ج - تاریخ و محل کنگره عادی و اضطراری را کمیته مرکزی در جلسه ای که به همین منظور تشکیل می دهد تعیین خواهد کرد.

د - فراخوان کنگره، دستور جلسه و قطعنامه های آن حداقل سه ماه قبل از تاریخ برگزاری کنگره به تشکیلات اعلام میشود. فراخوان کنگره های اضطراری حداقل ۲ ماه قبل از تاریخ برگزاری کنگره اعلام میشوند.

پیشنها در اصلاحی، مستقیما به کمیته مرکزی فرستاده میشوند و کمیته مرکزی گزارش خود را در مورد آنها به کنگره ارائه می دهد.

ه - ضوابط نمایندگی در کنگره عادی و اضطراری سازمان بر اساس درصدمنا پندگی کمیته های مناطقی و کمیته های معادل آن می باشد. درصدمنا پندگان هر کمیته در کنگره تعیین میشوند و نحوه انتخاب نمایندگان برعهده کمیته ها خواهد بود.

و - هر یک از اعضای کمیته مرکزی حق شرکت در کنگره های عادی و اضطراری سازمان را به عنوان یک نماینده با حقوق کامل دارا می باشند.

ز - کمیته مرکزی سازمان میتواند نمایندگان را که حاضر شرایط نیستند یا به عنوان میهمان از سازمانها و احزاب دیگر با نظر مشورتی به کنگره

بند ۴ - هرگاه یک عضو سازمان با تصمیم حوزه یا کمیته در مورد مسائل تشکیلاتی و یا سیاسی مخالفت نماید، حق دارند نظر خود را به ارگان های بالاتر تا کمیته مرکزی ارائه دهند. اما عضو سازمان در تمامی موارد موظف است تصمیمات اتخاذ شده را اجرا نماید.

بند ۵ - هر عضو سازمان حق دارد از ارگان های بالاتر گزارش دهی منظم پیرامون تصمیمات متخذه و سیاست سازمان را بخواهد.

بند ۶ - هر عضو حق دارد در مواردی که تصمیمی تنبیهی در رابطه با فعالیت و یا رفتار او اتخاذ میشود، در حوزه یا ارگان مربوطه حضور داشته باشد.

فصل سوم - اصول سازمانترالیسم دمکراتیک

ماده ۱۶ - ساخت تشکیلاتی و زندگی درونی سازمان بر پایه و تحت هدایت اصول سازمانترالیسم دمکراتیک قرار دارد. سازمانترالیسم دمکراتیک یعنی رهبری متمرکز بر پایه دمکراسی درون سازمانی و دمکراسی تحت رهبری متمرکز. این بدان معناست که:

- الف - کلیه ارگان های سازمان از بالا تا پایین انتخابی هستند.
- تبصوه: تا کنگره بعدی سازمان ارگان های بالاتر - از حق برگماری در ارگان های پایین برخوردارند.
- ب - اقلیت تابع اکثریت است. ارگان های پایین تر موظف به اجرای دستورات و تصمیمات ارگان های بالاتر می باشند. هر فرد خود را تابع اراده جمع میدانند. کلیه تشکلهای و ارگان های تشکیلاتی تابع کمیته مرکزی سازمان می باشند.
- ج - کلیه کمیته های سازمانی، بخصوص کمیته های رهبری کننده باید همواره به نظر و انتقاد تشکلهای سازمانی یا بین ترو اعضا توجه نمایند.
- د - کلیه کمیته ها باید مرتبا فعالیت های خود را به تشکلهای پایین تر گزارش کنند و کمیته های پایین ترین موظفند گزارش کار خود را به ارگان های بالاتر ارائه دهند.
- ه - کلیه ارگان های تشکیلاتی باید طبق اصول و تصمیمات جمعی و مسئولیت های فردی عمل نمایند.

و - هیچ جلسه کمیته های تشکیلاتی با کمتر از ۳ نفر رسمیت نمی یابد.

ماده ۱۷ - در حیطه زندگی داخلی سازمان، اصول سازمانترالیسم دمکراتیک زیر اجرا میشوند:

الف - تلاش برای فعال کردن اعضا سازمان جهت بالا بردن سطح ایدئولوژیک - سیاسی آنها و رشد آگاهی اعضا.

ب - بحث آزاد در درون کمیته ها و در مورد مسائلی که به سیاستها و فعالیت های عمومی سازمان مربوط میشود.

ج - مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی به مثابه مکانیزم تحقق دمکراسی سازمانی.

د - تشویق انتقاد و انتقاد زبانا تا پایین.

ه - مبارزه مداوم و بی رحمانه علیه تمایلات بوروکراتیک و لیبرالی در تمام سطوح سازمان.

و - غیرمجاز بودن فراسیونیسیم و تشکیل فراسیون به هر شکل.

ز - تقویت روحیه حزبی از طریق رشد مناسبات رفیقا نه، اعتماد و کمک متقابل.

ماده ۱۸ - دیسپلین سازمانی.

الف - دیسپلین سازمانی جز لاینفک اصول سازمانترالیسم دمکراتیک محسوب می گردد و اجرای اکید آن برای حفظ و تحکیم وحدت سازمان و ازدیاد قدرت و توان آن در مبارزه امری حیاتی و ضروری محسوب می شود.

ب - دیسپلین بر پایه پذیرش آگاهانه اهداف، برنامه و سیاستها ی سازمان استوار است و کلیه اعضا سازمان موظف به اجراء اکید دیسپلین سازمانی هستند.

ج - نقض اسامنامه و تصمیمات سازمانی و نیز توسل به هرگونه عمل و رفتاری که شایسته یک عضو سازمان نیست، نقض دیسپلین سازمانی تلقی

مسائل خاص می تواند پلنوم وسیعی مرکب از اعضا اصلی و علی البدل کمیته مرکزی، هیئت تحریریه، مشاوران کمیته مرکزی و دبیران کمیته ها تشکیل دهد. تصمیمات و پیشنهادات این پلنوم برای کمیته مرکزی جنبه مشورتی خواهد داشت.

تبصره: ترکیب اعضای شرکت کننده در پلنوم را کمیته مرکزی تعیین می کند.

بند ۱۶- کمیته مرکزی موظف است آئین نامه های اجرائی و انضباطی تنظیم و در اختیار اعضا بگذارد. آئین نامه ها برای اعضا لازم الاجرا است.

بند ۱۷- کمیته مرکزی می تواند یک عضو خود را به خاطر فقدان دیسپلین و رفتارنا درست و فعالیتها ضد زمانی با $\frac{2}{3}$ آراء مجموع اعضا کمیته مرکزی اخراج کند. کنگره می تواند این حکم را لغو نماید. اعضای که بدین طریق اخراج میشوند نباید تعدادشان از $\frac{1}{3}$ اعضای کمیته مرکزی تجاوز کند.

بند ۱۸- در مواردی که یکی از اعضای کمیته مرکزی اخراج، بازداشت یا شهید شود یک جایگزین از میان افراد علی البدل با رای اکثریت ساده کلیه اعضا کمیته مرکزی، جای او را خواهد گرفت. عضو انتخاب شده از حق رای کامل برخوردار است. اما به محض اینکه عضو بازداشت شده آزاد شود، جایگزین تعیین شده از عضویت کمیته مرکزی کناری رود.

بند ۱۹- در صورتیکه اکثریت اعضا کمیته مرکزی بازداشت یا شهید شوند، با زمانندگان کمیته مرکزی موظفند در وهله نخست از اعضا علی البدل و چنانچه عضو علی البدل کافی نبود، از میان دبیران کمیته های مناطق، کمیته مرکزی را ترمیم نموده و کنگره اضطراری سازمان را حداکثر ظرف مدت ۶ ماه برگزار نمایند.

بند ۲۰- بنا به ضرورت های معین کمیته های ویژه از طرف کمیته مرکزی تشکیل می گردند و زیر نظر کمیته مرکزی انجام وظیفه می کنند. کمیته های ویژه می توانند کمیته ها و حوزه های پایینی را بسته به خود را تشکیل دهند. کمیته های ویژه از حق عضوگیری برخوردارند. عضوگیری باید به اطلاع کمیته مرکزی برسد.

تبصره ماده ۲۰- تا برگزاری کنکره دوم، کمیته اجرایی سازمان عهده داری وظایف و اختیارات کمیته مرکزی خواهد بود.

فصل پنجم- سازمانهای منطقه ای و محلی

ماده ۲۱- کمیته منطقه

بند ۱- کمیته منطقه، ارگان رهبری کننده تشکیلات سازمان در سطح منطقه است و بالاترین ارگان در سطح منطقه می باشد.

بند ۲- کمیته منطقه، کمیته ها و سازمانهای تابعه خود را سازماندهی می کند، فعالیتها را کنترل و رهبری می نماید و مسئول پیشبرد فعالیتها سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح منطقه می باشد.

بند ۳- کمیته منطقه بر اساس وظیفه تعیین شده از طرف کمیته مرکزی سازمان، در یک منطقه معین به وجود می آید. حیثه عملکرد کمیته منطقه را با توجه به نیازهای جنبش، کمیته مرکزی تعیین می کند.

بند ۴- کمیته منطقه متشکل از مسئولین شهرستانها و منتخبین کمیته مرکزی برای پیشبرد امور سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح منطقه بوجود می آید.

بند ۵- اعضا تحریریه ارگان منطقه ای توسط کمیته منطقه انتخاب و به تصویب کمیته مرکزی می رسند.

بند ۶- عملکرد و تصمیم گیریهای کمیته منطقه محدود به منطقه تحت فعالیت آن می باشد.

بند ۷- تصمیمات کمیته منطقه باید تحت نظر و در چارچوب تصمیمات متخذه در ارگانهای بالاتر باشد.

دعوت نماید.

ح- کنگره با حضور $\frac{3}{4}$ نمایندگان اجلاس می یابد.

بند ۲- وظایف و قدرت کنگره به قرار زیر می باشد:

الف- انتخاب کمیسیون اعتبارنامه به منظور بررسی اعتبارنامه نمایندگان و گزارش آن به کنگره.

ب- انتخاب یک هیئت رئیسه برای پیشبرد کار کنگره.

ج- بحث و تبادل نظر در مورد گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته مرکزی.

د- تصویب برنامه و اساسنامه یا تجدیدنظر و تغییر برنامه و اساسنامه سازمان.

ه- تعیین خط مشی و تاکتیکهای سازمان در وضعیت جاری.

و- تصویب قطعنامه ها.

ز- تعیین تعداد اعضا علی البدل کمیته مرکزی با توجه به شرایط و وضعیت سازمان.

ح- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی با رای مخفی.

ماده ۲۰- کمیته مرکزی سازمان.

بند ۱- کمیته مرکزی سازمان بین دو کنگره عالی ترین ارگان رهبری و مرجع تصمیم گیری سازمان محسوب می گردد.

بند ۲- کمیته مرکزی منتخب کنگره است و تنها در مقابل آن مسئول شناخته میشود.

بند ۳- کمیته مرکزی، مسئول اجرای اساسنامه و پیشبرد خط سیاسی و تصمیمات متخذه از طرف کنگره می باشد.

بند ۴- کمیته مرکزی کل سازمان را نمایندگی میکند، کمیته های تشکیلاتی را سازماندهی می نماید، مسئول هدایت و رهبری کل سازمان می باشد و در مورد مسائل سازمانی حق تصمیم گیری کامل را دارد.

بند ۵- کمیته مرکزی سازمان در مورد کلیه مسائلی که به سیاست سازمان در سطح سراسری مربوط میشود، مسائلی که بیش از یک منطقه را در بر می گیرد و یا تصمیم و حدود یکسانی را در سراسر کشور لازم داشته باشد و نیز مسائلی که در منطقه ای مشخص برای اولین بار مطرح می شود و به سیاست عمومی سازمان ارتباط پیدا می کند، حق تعیین سیاست و تصمیم گیری را دارد.

بند ۶- کمیته مرکزی سازمان در مورد کلیه مسائل مربوط به روابط بین المللی و مناسبات با سازمانها و حزب تصمیم می گیرد و این روابط را تنظیم و نمایندگی می نماید.

بند ۷- اعضا کمیته مرکزی بنا به وظیفه محوله خود می توانند در تصویب کمیته مرکزی، مشاورینی برای خود انتخاب کنند.

بند ۸- انتخاب دبیر کمیته منطقه، اعضا کمیته های ویژه و هیئت تحریریه ارگان مرکزی از وظایف کمیته مرکزی است.

بند ۹- جلسات کمیته مرکزی با حضور $\frac{2}{3}$ اعضا رسمیت می یابد.

بند ۱۰- فاصله زمانی بین دو نشست کمیته مرکزی نباید از ۳ ماه تجاوز کند.

بند ۱۱- کمیته مرکزی هر شش ماه یکبار گزارش کتبی عملکرد سازمان را به تشکیلات ارائه می دهد.

بند ۱۲- کمیته مرکزی مسئول امور مالی سازمان است.

بند ۱۳- کمیته مرکزی، مسئول با یگانی اسناد، مدارک و کلیه شناسنامه های سازمانی است.

بند ۱۴- کمیته مرکزی مسئول تدارک و تشکیل کنگره سازمانی (اعم از عالی یا اضطراری) بوده و موظف است گزارش سیاسی و تشکیلاتی به کنگره ارائه دهد.

بند ۱۵- کمیته مرکزی در صورت ضرورت و برای تبادل نظر در مسئله یا

و او با یدجوا بگوی آن با شد.

بند ۶- وظا فحوزه

الف- حوزه ها موظفاندا عضاء وکاندیدان های عضویت را با روحیه استحکام ایدئولوژیک، وفاداری به سازمان و آرمان کمونیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری آموزش و پرورش دهند.

ب- حوزه موظفاندا ستکلیه نشریات تدرونی و بیرونی سازمان را مطالعه نموده و انتقاد و توییشنها دا تجمع بندی شده خودرا پس از بحث حول این نشریات به ارگان بالاتر ارائه دهد.

ج- حوزه با یدهفته ای یکبار جهت هما هنگ کردن و ارزیابی فعالیت های مبارزاتی و مبارزاتی ایدئولوژیک- سیاسی تشکیل جلسه دهد و گزارش هفتگی خودرا به ارگان بالاتر ارائه دهد.

د- حوزه موظفاندا ست هر یک ماه یکبار جلسه انتقاد و انتقاد از خود تشکیل دهد و گزارش آن را به ارگانهای بالاتر ارائه دهد.

ه- حوزه موظفاندا ست بر اساس برنامه ای که از سوی سازمان تعیین شده است فعالیت کند.

و- حوزه موظفاندا ست دستورات کمیته ما فوق را اکیدا اجرا نماید.

ز- حوزه موظفاندا ست در کارخانه یا محل سکونت در جهت جذب توده ها به سمت سازمان تلاش کند و در جهت پیوند هر چه بیشتر سازمان با طبقه کارگر بکوشد.

ح- حوزه وظیفه دار دبرنامه و سیاستهای سازمان را تبلیغ و ترویج کند، نشریات سازمان را توزیع نماید و کمک مالی و تدارکاتی برای سازمان جمع آوری کند.

" تعهدنامه سازمانی "

ماده ۲۵- تمامی اعضاء سازمان به هنگام پذیرش عضویت آنها، موظفند تعهدنامه زیر را امضا کنند:

" من خط مشی، اهداف و آرمانهای سازمان را می پذیرم و تعهد می کنم که به اساسنامه آن پای بند و در اجرای تصمیمات سازمان وفادار باشم. من تلاش خواهم کرد با ایده آل های کمونیسم رفتار نمایم و با تمام وجود در جهت منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش مبارزه کنم. من همیشه منافع سازمان و طبقه کارگر را بر منافع شخصی ترجیح می دهم. "

قطعنامه درباره وحدت در صفوف نیروهای اقلیت

نظربا اینکه ایجا دسازمان واحد پرولتاریائی تمرکز همه منافع، استعدادها و مکانات جنبش کمونیستی را می طلبد،

نظربا اینکه وحدت کمونیستهای ایران و فائق آمدن بر پراکندگی یک ضرورت مبرم و حیاتی جنبش کمونیستی محسوب میشود،

نظربا اینکه بر سر اساسی ترین مسائل برنامه ای و تاکتیکی میان سازمان ما و دیگر جریانها تطبیف اقلیت (شورای عالی، هسته اقلیت) در لحظه کنونی اشتراک نظر وجود دارد و این امر حصول به وحدت میان این سازمانها را امکان پذیر می سازد،

لذا، کنفرانس ضمن تأیید تلاشهایی که در این راستا صورت گرفته است، کمیته اجرایی را موظف نمود برای وحدت در صفوف نیروهای اقلیت اقدامات لازم را بعمل آورد.

بند ۸- کلیه تصمیمات کمیته منطقه بر اساس نظرا کثرت اعضاء کمیته اتخاذ می گردد.

بند ۹- کمیته منطقه هر دو ماه یکبار گزارش کتبی عملکرد خودرا به ارگان بالاتر ارائه می دهد.
ماده ۲۲- کمیته شهرستان

بند ۱- کمیته شهرستان تحت رهبری ۳ تا ۵ تن از دبیران کمیته های بخش تشکیل می شود، مسئول پیشبرد فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی سازمان در سطح شهرستان می باشد و کمیته های بخش و حوزه های تحت مسئولیت خودرا کنترل و رهبری می نماید.

تبصره ۱- در شهرهایی که تشکیلات تا این حد گسترده نیست، ارگانهای پایین تر وظایف پیشبرد فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی را در سطح شهر با نظارت کمیته آن منطقه برعهده می گیرند.

تبصره ۲- در شهرهایی که تشکیلات از حد کمیته بخش به مراتب گسترده تر است، ابتدا چند کمیته ناحیه متشکل از ۳ تا ۵ کمیته بخش به وجود می آید، سپس از ترکیب دبیران کمیته های ناحیه کمیته شهرستان تشکیل می شود.

بند ۲- کمیته شهرستان دارای یک دبیر (ویکنا یب دبیر) می باشد که با انتخاب اعضاء کمیته شهرستان و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشوند.

بند ۳- کلیه تصمیمات کمیته شهرستان بر اساس نظرا کثرت اعضاء کمیته اتخاذ می گردد.

بند ۴- کمیته شهرستان هر ماه یکبار گزارش عملکرد خودرا به ارگانهای بالاتر ارائه می دهد.

ماده ۲۳- کمیته بخش

بند ۱- کمیته بخش از ۳ تا ۵ تن از دبیران حوزه ها تشکیل می شود.

بند ۲- کمیته بخش دارای یک دبیر (ویکنا یب دبیر) است که با انتخاب اکثریت اعضاء کمیته بخش و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشوند.

بند ۳- کمیته بخش وظایف خودرا بر اساس برنامه عمومی تعیین شده از سوی ارگان بالاتر پیش می برد.

بند ۴- کمیته بخش مسئول رهبری و کنترل فعالیت های حوزه های تحت مسئولیت خود می باشد.

بند ۵- کمیته بخش هر یک ماه یکبار گزارش کتبی از پیشرفت کار و تصمیمات و فعالیت های خودرا به ارگان بالاتر می دهد.

بند ۶- کلیه تصمیمات کمیته بخش بر اساس نظرا کثرت اعضاء کمیته اتخاذ می گردد.

فصل ششم- واحدا یه ای سازمان

ماده ۲۴- حوزه

بند ۱- واحدا یه تشکیلات سازمان را حوزه تشکیل می دهد که در محل کار و سکونت تشکیل میشود.

بند ۲- تعداد اعضاء حوزه حداقل ۳ و حداکثر ۵ تن (اعما زعضو و کاندیدای عضو) می باشد.

بند ۳- تشکیل حوزه با یدبه تصویب ارگان بالاتر برسد.

بند ۴- حوزه دارای یک دبیر (ویکنا یب دبیر) است که با انتخاب اکثریت اعضاء حوزه و تصویب ارگان بالاتر تعیین میشود.

بند ۵- کلیه تصمیمات حوزه بر اساس نظرا کثرت اعضاء حوزه اتخاذ می شود مگر در مواردی که مربوط به انتخاب کردن و انتخاب شدن باشد که به آراء اعضاء مربوط می گردد.

تبصره ۱- در صورت تساوی آراء، نظری که دبیر حوزه به آن رای داده است لازم الاجرا است.

تبصره ۲- دبیر حوزه می تواند در صورتی که تشخیص دهد نظرا کثرت اعضاء حوزه مغایر با مصالح و نظرات سازمان است، با پذیرش مسئولیت، راسا تصمیم بگیرد. مشروط به اینکه بعدا مورد تأیید ارگان بالاتر قرار گیرد. در غیر این صورت تصمیم او بی اعتبار بوده، خودسرانه تلقی خواهد شد.

برنامه مصوب دومین کنفرانس

- د. ه. ب.
- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام فوری در جهت تکمیل آن را انقلابی به منظور ریشه کن کردن بی سوادی.
- برقراری نزدیکترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد، تلفیق آموزش نظری و عملی.
- ۲- بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاهها، بیمارستانها، گسترش شیرخوارگاهها، مهدکودکها، موسسات آموزشی، بهداشتی و پزشکی.
- ۳- تامین مسکن و تعدیل اجارهها.
- به منظور کاستن از بارهزینه های کارگران و زحمتکشان ضروری است که بعنوان یک اقدام فوری، منازل، آپارتمانها و کلیه ساختمانهای متعلق به نیروهای ضد انقلاب و نیز هتلها و ساختمانهای زائد دولتی به عنوان مسکن در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار گیرد.
- مادام که مشکل مسکن بطور بنیادی حل نشده است، اجارهها باید متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین و به مرحله اجرا درآید.
- ۴- ایجاد کار برای بیکاران، تضمین شغلی، بیمه شدن در مقابل بیکاری و پرداخت حقوقی معادل مخرج یک خانواده ۵ نفره کارگری به بیکاران از سوی دولت.
- ۵- تامین امکانات زندگی برای سالمندان و کودکان بی سرپرست و ایجاد مراکز ویژه برای نگهداری آنان به هزینه دولت.
- * به منظور مبارزه عملی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم، قطع وابستگی، دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی کارگران و زحمتکشان، ما خواهان انجام اقدامات زیر هستیم:
- ۱- ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، موسسات و نهادهای مذهبی.
- ۲- ملی کردن بانکها و تمرکز آنها در یک بانک واحد.
- ۳- ملی کردن شرکتها، بیمه و تمرکز آنها در یک موسسه واحد.
- ۴- ملی کردن موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ.
- ۵- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونیها.
- ۶- تمرکز جابجاری صاحبان صنایع و موسساتی که سرمایه آنها در مرحله کنونی انقلاب ملی نمیگردد، در اتحادیهها و سندیکاها یا صاحبان صنایع.
- ۷- ایجاد دوگسترش صنایع سنگین.
- ۸- الغاء اسرار بزرگانی به منظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.
- ۹- کنترل شوراها یا کارگری بر تولید در کلیه صنایع، کارخانهها و موسسات و نیز کنترل توده ای بر توزیع.
- ۱۰- الغاء کلیه قراردادهای اسارت بار امپریالیستی و افشاء مفاسد آنها برای آگاهی عموم خلق.
- ۱۱- لغو تمام مالیاتهای غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.
- * به منظور مصون داشتن طبقه کارگران از تهاجم جسمی و روحی و بیسپاسی و در مبارزه برای رهایی، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) مطالبات زیر را مطرح می نماید:
- ۱- ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل بی درپیی در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.
- ۲- تقلیل ساعات کار روزانه کارگران معادن، صنایع و دیگر نواحی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز روبرو هستند به ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته.
- ۳- احتساب اوقات ایاب و ذهاب، صرف غذا، سوادآموزی و حوام جزء ساعات کار.

- مستقیم توده ها از طریق شوراها که بمثابه نهادهای مقننه و مجریه هر دو عمل می کنند، برقرار خواهد شد.
- ۳- سیستم انتصابی مقامات برخواهد افتاد و انتخابی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد گردید. صاحب مناصب ان حقوقی برابر با متوسط دستمزد یک کارگر ما هر دریا فت خواهد کرد.
- ۴- سیستم قضائی موجود منحل می گردد و دادگاههای خلق ایجاد خواهد شد.
- * در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک خلق با یدمغا زیر تضمین شود:
- ۱- حق حاکمیت توده ها - قدرت دولتی باید در اختیار نمایندگان انتخابی توده ها باشد که در هر زمان بوسیله انتخاب کنندگان قابل عزل باشند.
- ۲- انتخابی بودن قضا و کلیه صاحب مناصب ان کشوری و لشگری.
- ۳- تسلیح عمومی خلق و جایگزین شدن ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای با ارتش توده ای.
- ۴- کنگره سراسری شوراها یا نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش شهر و روستا بمثابه عالی ترین ارگان حکومتی.
- ۵- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرده که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.
- ۶- مصونیت فرد و محل زندگی او.
- ۷- آزادی مسافرت و اقامت و شغل.
- ۸- آزادی مکاتبات.
- ۹- لغو هرگونه تفتیش، شکنجه و جاسوسی.
- ۱۰- آزادی فکری و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه، سندیکا، شورا، احزاب و سازمانهای سیاسی، حق اجتماع، میتینگ، تظاهرات و اعتصاب.
- ۱۱- جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت و مدارس از مذهب. مدارس باید مطلقاً غیر مذهبی باشند.
- ۱۲- لغو کلیه محدودیتها و تفریقاتی که علیه اقلیت های مذهبی اعمال میشود.
- ۱۳- برابری حقوق کلیه اتباع کشور مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت.
- ۱۴- لغو هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.
- برابری حقوق زن و مرد در اطلاق، ارث و تکفل اولاد.
- ۱۵- تضمین حق تعیین سرنوشت اسرحد جددائی و تشکیل دولت های مستقل برای کلیه ملل ساکن ایران.
- منافع طبقه کارگر و زحمتکشان ملل تحت ستم ایران در این است که مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند، اما این اتحادیه اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.
- ۱۶- خودمختاری وسیع منطقه ای برای کلیه مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل می دهند.
- ۱۷- الغاء هرگونه امتیاز و اعمال ستم ملی، قومی، فرهنگی و نژادی.
- ۱۸- الغاء زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس، نهادهای دولتی و استفاده از آن در مراجع عمومی.
- * ما همچنین خواهان اقدامات عمومی زیر می باشیم:
- ۱- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه، بهره مندی تمام دانش آموزان به هزینه دولت از غذا، پوشاک، وسایل تحصیل و ایاب و

زمینداران بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان متشکل شده درشوراها و اتحادیههای دهقانی.

۳- پشتیبانی از جنبش دهقانان برای مبارزه با زمینداران، مبارزه با جنبه انقلابی و دمکراتیک داشته باشد.

۴- اراضی مکانیزه و بطور کلی زمینهایی که به شیوه عالی کشت میشوند، بدون آنکه تقسیم گردند، باید تحت کنترل شوراها یا کارگران کشاورزی قرار گیرند.

۵- متشکل کردن دهقانان خرده پا در تعاونیها و تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به منظور صرفه جویی در کار و هزینه محصولات.

۶- لغو کلیه بدهیهای دهقانان به دولت، بانکها و کلیه موسسات مالی سرمایه داران، ملاکین و ربا خواران.

۷- پرداخت وام بدون بهره به دهقانان و تامین هرگونه کمک تکنولوژیک و قبیل ماشین آلات، کود، بذرو غیره.

۸- ایجاد و توسعه جادهها، شبکههای آبیاری، آبرسانی و برق سراسری در روستاها.

۹- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری.

۱۰- ایجاد و توسعه مراکز درمانی، بهداشتی و فرهنگی در جهت رفاه ساکنین روستاها.

- بعلاوه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) وظیفه خود میداند که برای تشکیل طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا تلاش کند؛ تضاد آشتی ناپذیری را که میان او و بورژوازی دهقانی وجود دارد و نیز تضاد بین انقلاب سوسیالیستی را توضیح دهد.

* در زمینه سیاست خارجی ما خواهی اجرای موارد زیر هستیم:

۱- اتحاد با خلقها و جنبشهای رهائی بخش ملل تحت استعمار، کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری، به مثابه سه جزء لاینفک یک جریان و اتحاد انقلابی - ضد امپریالیستی.

۲- برافکندن رسم دیپلماسی سرکشی و آگاهی عموم مردم از تمام مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادها و پیمانها با دول دیگر.

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) در راه مبارزه با طرز مطالبات فوق الذکر از هر جنبش انقلابی و پیروزی که مخالف سیستم اجتماعی و سیاسی موجود ایران باشد، پشتیبانی می کند. اما در همان حال کلیه اقدامات طرف میستی را که متضمن تشبیت یا گسترش مداخلات پلیسی - بوروکراتیک در زندگی توده های مردم است قاطعانه محکوم کرده و مورد می شمارد.

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) معتقد است که تحقق مطالبات فوق الذکر تنها از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر میسر خواهد بود.

۴- ممنوعیت کامل اضافه کاری.

۵- ممنوعیت سیستم پرداخت دستمزد بصورت جنسی و ممنوعیت قطعه کاری و کارکنتراتی.

۶- ممنوعیت شب کاری در تمام رشته های اقتصادی مگر در مواردی که به دلایل فنی یا رفاهی مطلقا ضروریست و مورد تأیید تشکلهای کارگری قرار گرفته باشد، آن هم حداکثر به مدت چهار ساعت.

۷- ممنوعیت استخدام کودکان در سنین تحصیل زیر ۱۸ سال.

۸- ممنوعیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آور باشد.

۹- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.

۱۰- مرخصی زنان باردار دو ماه قبل و دو ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان.

۱۱- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار.

- احتساب اوقات رسیدگی و سرزدن به نوزادان جزء ساعات کار.

۱۲- بهره مند شدن کارگران از حق اولاد.

۱۳- ممنوعیت کسر دستمزد به بهانه جریمه، خسارت، غیبت و غیره.

۱۴- تعیین دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها و تامین معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری.

۱۵- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها هر شش ماه یکبار.

۱۶- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما.

- برخورداری نمایندگان منتخب کارگران کارخانه از حقوق تصمیم گیری در مورد اخراج و نظارت بر امر استخدام.

۱۷- بیمه کامل اجتماعی کارگران، بیمه بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفه و زکار افتادگی.

۱۸- برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر کلیه بنگاهها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.

۱۹- احتساب ایام بیکاری جزء سابقه کار کارگران.

۲۰- شرایط بازنشستگی برای مردان حداکثر ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار، برای زنان حداکثر ۵۰ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار، و در رشته هایی که با شرایط دشوار، مخاطره آمیز و زیان آور و پروروستند حداکثر ۴۵ سال سن و یا ۲۰ سال سابقه کار.

۲۱- تنظیم مقررات و آئین نامه داخلی کلیه مراکز تولیدی با نظارت و تصویب نمایندگان کارگران.

۲۲- تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکلهای و مجامع کاری.

۲۳- ایجاد کار برای کارگران بیکار و پرداخت حقوقی معادل مخارج یک خانواده ۵ نفره کارگری به کارگران بیکار.

۲۴- تضمین حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری و حق اعتصاب با پرداخت دستمزد کامل کارگران در دوران اعتصاب.

۲۵- تساوی حقوق کارگران کشاورزی و مورخان با کارگران حرفه ای.

* به منظور پایان بخشیدن به کلیه بقایای مناسبات فئودالی، بسط مبارزه طبقاتی در روستاها و افزایش سطح رفاه و زحمت کشان روستا، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) خواهان اجرای برنامه های زیر می باشد:

۱- ملی شدن کلیه اراضی، مراتع، جنگلها و همه منابع طبیعی و زیرزمینی.

۲- ضبط فوری کلیه اراضی، مملکتها و ابزار و وسائل تولید مملکتی و

اعضاء، فعالین و هواداران!
برنامه سازمان را در میان توده های
مردم تبلیغ و ترویج نمایند و در
توزیع هر چه گسترده تر آن بکوشید



گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته اجرائی

۵۰ درصد تولید می کردند، طی دو سال اخیر نیز از میزان تولید کاسته شده و $\frac{1}{3}$ ظرفیت قبلی خود تولید می کنند. تازه ترین ارزیابی های کارشناسان اقتصاد را برآوردی نشان میدهد که حداقل ارزش برای احیای نسبی فعالیت کارخانه ها و صنایعی که اساسا وابسته اند متجاوز از ۵۰ درصد ماشین آلات، قطعات یدکی، مواد خام و قطعات پیش ساخته مورد لزوم را با یک طریق انحصارات بین المللی تامین کنند، متجاوز از ۸۰ میلیارد دلار است. طی دو سال گذشته کمتر از یک میلیارد دلار به این امر اختصاص داده شده است. اکنون نیز اگر حداقل درآمد ارزی پیش بینی شده در سال جاری که نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است، تامین گردد، این مبلغ عمدتاً صرف هزینه های جاری دولت، ماشین نظامی و سرکوب و وارد کردن چند قلم کالاهای مصرفی که $\frac{3}{2}$ میلیارد دلار برای آن اختصاص یافته خواهد شد، لذا دیگر ارزی باقی نمی ماند که به کارخانه ها و موسسات تولیدی دیگر اختصاص یابد. البته رژیم در تلاش است که از طریق استقرار از دولتهای امپریالیستی، این حداقل ارزش را تامین کند و اوضاع اقتصادی اش را اندکی بهبود بخشد، اما تحقق این امر با توجه به اوضاع سیاسی رژیم فعلا امکان پذیر نیست. بعلاوه رژیم در تلاش است با فروش برخی کارخانه ها و موسسات تولیدی دیگر به بخش خصوصی بمقابل با رکود در صنایع پدید آید اما گذشته از اینکه تفاوتهای درونی رژیم مانع از انجام این برنامه شده است، سرمایه داران بخش خصوصی نیز ترجیح میدهند که در اوضاع نامطمئن سیاسی و بحران اقتصادی، سرمایه خود را عمدتاً در بخش خدمات بویژه تجارت به جریان اندازند. بنا بر این نه تنها طی دو سال گذشته رکود در صنایع تشدید شده است بلکه حداقل برای دو سال آینده نیز چشم انداز بهبود اوضاع وجود ندارد. بحران مالی و ورشکستگی مالی دولت خود عامل مهمی در تشدید بحران اقتصادی است. طی چند سال گذشته، رژیم برای تامین حوایج و نیازهای ماشین دولتی و جنگی خود بخش عظیمی از ثروت های جامعه را بر باد داد. با این وجود با کسر بودجه های کلان روبرو بوده است که آنرا از طریق استقرار از بانکها و انتشار اسکناس بدون پشتوانه تامین نمود. گذشته از صدها میلیارد تومان قروض دولت، که خود فشار عمده ای بر دوش توده های مردم بوده است، کاهش درآمدهای ناشی از نفت سبب شد که رژیم نتواند حتی هزینه های روزمره دستگاه دولتی خود را تامین کند، لذا از طریق افزایش مالیاتها و دیگر ابزارهای اقتصادی این هزینه های خود را نیز از طریق فشار به توده ها تامین نموده است. بحران اقتصادی موجود تنها به حیطه های صنعتی و

مالی محدود نمی شود. در کشاورزی نیز وضعیت به حدی وخیم شده است که حتی سیب زمینی و پیاز هم کمیاب شده است. تولید برنج اکنون نسبت به ۱۰ سال پیش به $\frac{1}{3}$ کاهش یافته و وضعیت تولید گندم نیز چنان وخیم است که گندم وارداتی به ۴ برابر افزایش یافته است. در چنین شرایطی وضعیت تولید محصولات نظیر پنبه، چغندر قند و غیره نیز که به کمتر از ۵۰ درصد کاهش یافته است، روشن است. این بحران همه جانبه اقتصادی تاثیر خود را قبل از هر چیز بر تشدید و خاستن شرایط مادی زندگی کارگران، دهقانان و عموم زحمت کشان برجای گذاشته است. تعداد بیکاران هم اکنون رقمی در حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر است. علیرغم جنگالهای تبلیغاتی رژیم در زمینه بازسازی و اشتغال، بیس از برقراری آتش بس باز هم بر تعداد بیکاران افزوده شده است. میلیونها بیکار در ایران با چنان شرایط وخیمی روبرو هستند که تصور آنهم دشوار است. وضعیت کارگرانی که هنوز مشغول بکارند نیز تا بدان حد وخیم است که اکثریت عظیم آنها از تامین حداقل معیشت محروم اند. بحران و خطر بیکاری بصورت حربه ای در دست سرمایه داران برای تشدید استثمار کارگران درآمده است. کارگران ایران به شدیدترین وجه ممکن استثمار میشوند. در حالیکه طی دو سال گذشته قیمت اساسی ترین کالاها و مواد پختاچ مورد نیاز کارگران دو برابر شده است، دستمزدها کارگران همچنان ثابت مانده است. نا اطمینان محیط کار به حدی است که مطابق گزارشهای رسمی، سالانه ۶۰۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه ها دچار حادثه میشوند که ۴۰۰۰۰ نفر آنها معلول میگرددند.

شرایط زندگی دهقانان زحمتکش نیز مداوماً وخیم تر شده است. همه ساله گروه کثیری از آنها خانه خراب میشوند و به مغفوب بیکاران می پیوندند. از هم پاشیدگی اوضاع اقتصادی که همراه با یک تورم فاساد گسیخته است شرایط زندگی را بر عموم توده های زحمتکش بیس از همیشه دشوار نموده است. قیمت کالاهای جناس مورد نیاز زحمتکشان روز به روز افزایش می یابد. اگر اوضاع بر همین منوال ادامه یابد، نرخ تورم که طی سال جاری از ۵۰ درصد نیز گذشته است باز هم افزایش خواهد یافت. طی چند ماه اخیر دولت با زهم مالیاتهای غیر مستقیم را افزایش داده و قیمت کالاهای و خدمات تحت انحصار دولت را ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش داده است. همه چیز حاکی از تشدید و خاستن شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان ایران است. اما در حالیکه کارگران و زحمتکشان ایران تحت دشوارترین شرایط به سر می برند و با فقر مطلق و نسبی روبرو هستند، سرمایه داران، سران حکومت، سبزدوران و وابستگان دستگاه دولتی روز بروز ثروتمندتر

شده اند. مطابق اماراتی که از سوی ارگانهای رسمی رژیم انتشار یافته است در سال ۶۲ سهم ۲۰ درصد از ثروتمندترین خانوارها از کل درآمد کشور $\frac{49}{4}$ درصد بوده و حال آنکه سهم ۸۰ درصد بقیه جمعیت نیز $\frac{50}{6}$ درصد بوده است. در سال ۱۰،۶۳ درصد زحمتکشان ۱/۲۶ درصد و زحمتکشان ۶ درصد از کل درآمد جامعه را بخود اختصاص داده اند، در حالیکه سرمایه داران و ملاکین سهم بیشتری را نسبت به سال ۶۲ بخود اختصاص داده اند. بویژه طی دو سال اخیر وضعیت توده های زحمتکش با زهم وخیم تر شده و ثروتمندان ثروتمندتر شده اند. مطابق همین آمار و گزارشهای رسمی، ۴ میلیون نفر از زحمت کشان ایران ماهیانه درآمدی کمتر از ۲۰۰ تومان و ۴ میلیون نفر درآمدی کمتر از ۴۰۰ تومان دارند، در حالیکه درآمد ۴ درصد جمعیت یعنی حدود ۶ هزار خانوار سرمایه دار و دیگر ثروتمندان ماهیانه بیش از سیصد هزار تومان است. ناگفته روشن است که میزان درآمد ماهیانه ثروتمندان طی دو سال اخیر به چند برابر افزایش یافته و درآمد گروهی از این ثروتمندان یعنی تجار، سرمایه داران صنعتی و برخی سران و وابستگان دستگاه حکومتی هر ماه به چند میلیون تومان میرسد.

عمیق تر شدن شکاف میان فقروثروت در جامعه تا بدان مرحله پیش رفته است که امروزه حتی مطبوعات رژیم نیز فریاد دیرمی آورند که نقدینگی سرمایه داران بخش خصوصی که در سال ۵۹، ۴۳۰ میلیارد تومان بود در سال ۶۴ به ۸۰۰ میلیارد تومان رسیده بود، اکنون از ۱۲۰۰ میلیارد تومان نیز گذشته است. متجاوز از ۸۰ درصد از این ۱۲۰۰ میلیارد تومان در دست ۲۰ درصد از افراد جامعه است. گزارش دیگری می گوید که ۹۵ درصد از ۱۲۰۰ میلیارد تومان نقدینگی سرمایه داران بخش خصوصی متعلق به ۳ درصد آنهاست. همه این ارقام نشان میدهد که شکاف میان فقروثروت در جامعه ما سال به سال عمیق تر شده است. اما توده های مردم ایران تنها با خاستن و خاستن فقر و فقر روز افزون روبرو نیستند. شرایط زندگی و فقر روز افزون روبرو نیستند. شرایط زندگی معنوی آنها نیز همچون شرایط مادی زندگی شان شاق و طاقت فرساست. مردم ایران همچنان از ابتدائی ترین حقوق مدنی و سیاسی محروم اند. جمهوری اسلامی همچنان به سیاست سرکوب و اختناق ادامه میدهد و دیکتاتورهای غریبان و غسان گسیخته شرایط معنوی زندگی توده ها را بیس از بیس از بیس از دشوار کرده است. برقراری آتش بیس در جبهه های جنگ تنها منجر به کاهش سرکوب و اختناق نگردید بلکه بالعکس جنگ خارجی

متوقف گردید تا سرکوب توده ها تشدید شود.

هنوز چند روزی از برقراری آتش بسس نگذشته بود که در مدتی کوتاه هزاران زندانی سیاسی دستجمعی اعدام شدند. در این قتل عام، گروهی از فعالین و هواداران سازمان نیز که با مقاومت و پایداری خود در برابر رژیم سفاک و ددمنش جمهوری اسلامی حماسه ها آفریده بودند به شهادت رسیدند. رژیم که در جنگ با شکست روبرو شده بود به این جنایت هولناک متوسل گردید تا بدین طریق جو رعب و وحشت را بر جامعه حاکم سازد و ناراضی بیتی توده ای را مهار و کنترل کند. امروزه مردم ایران در چنگال رژیم خون آشام جمهوری اسلامی از هرگونه آزادی و دمکراسی محروم اند. اما رژیم با سلب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی از مردم ایران نتوانسته و نخواهد توانست مردم را از مبارزه علیه رژیم بازدارد. بالعکس هم تشدید و خاست شرایط مادی زندگی توده ها و هم اختناق و سرکوب رژیم، نفرت و انزجار توده ای را از جمهوری اسلامی شدت بخشیده و تضاد میان توده مردم و رژیم حاکم را تشدید نموده است. طی دو سال گذشته هر چند که ناراضی بیتی و اعتراض توده ای در نتیجه سرکوبی های بیرحمانه رژیم از شکل علنی گسترده برخوردار نبوده است، با این وجود کارگران و زحمتکشان ایران به مبارزه خود ادامه داده و حتی در مواردی این مبارزه بصورت تظاهرات محدود و خیابانی درآمده است. مردم دیگر نمی خواهند تحت یوغ سارت با رژیم جمهوری اسلامی زندگی کنند. به موازات تعمیق بحران اقتصادی برداشته ناراضی بیتی مردم افزوده شده و بحران سیاسی نیز تشدید شده است. بحران حکومتی که با زتابنا توانی های اقتصادی و سیاسی رژیم، رشد روزافزون ناراضی بیتی توده ها و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه است، نقش مهمی در تشدید بحران سیاسی ایفا کرده است. رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی و خصالت مذهبی اش نه فقط شرایط زندگی مادی و معنوی توده ها را دشوار نموده و تضاد آنها را بسا رژیم تشدید کرده است بلکه خود نیز از درون با یک رشته تضادهای لاینحل و بحرانهای مداوم روبرو بوده است. تضادهای و کشمکشهای درونی هیئت حاکمه و جناحهای صاحب قدرت آن، طی دو سال گذشته یک لحظه رژیم را آرام نگذاشته است. شکست در جنگ که در حقیقت بمعنای شکست سیاسی توسعه طلبانه رژیم و پاناسلامیسم ارتجاعی بود، اختلافات درونی هیئت حاکمه را تشدید نمود. جناح بازاریبازر و وسیعی را علیه جناح دولت سازمان داد و مسئولیت شکست در جنگ و نابسامانی اوضاع اقتصادی را بر عهده آن قرارداد. تنها مداخله خمینی و فتاوی و موضع گیریهای او بنفع جناح مسلط توانست از جدت بحران بکاهد. با این وجود اختلافات بقوت خود باقی ماند و در ارگانهای مختلف رژیم آشکارا بروز نمود.

اختلاف میان اکثریت مجلس ارتجاع و شورای نگهبان جلوه دیگری از این اختلافات بود که خمینی برای حل آن "مجمع تشخیص مصلحت" را علم کرد. مدتی بعد کشمکش بین منتظری و خمینی حا دگر دید و با عزل منتظری از جانشینی خمینی رژیم با یک بحران جدید یعنی بحران جانشینی خمینی روبرو شد. آخرین تلاش خمینی برای حل بحران و تمرکز هر چه بیشتر قدرت در دستگاه حکومتی به اختلافات جدیدی میان جناحها و دسته بندیهای درونی هیئت حاکمه بر سر چگونگی تغییرات در قانون اساسی رژیم انجامید. اما هنوز این مسئله به نتیجه ای نرسیده بود که مرگ خمینی فرار رسید و ضربه مرگبار دیگری بر پیکر پیوسیده رژیم وارد آمد. خمینی که ده سال تمام در رأس جمهوری اسلامی قرار داشت و یکی از جنایتکارترین و خون آشام ترین دیکتاتورهای عصر حاضر بود، در اواسط خردادماه مرد. مرگ خمینی قطعا تا شیرات بسیار نظیمی بر رژیم جمهوری اسلامی و تسریع فروپاشی آن برجای خواهد گذاشت. خمینی در رأس هرم قدرت مانع از آن بود که کشمکشهای درونی هیئت حاکمه تمام موجودیت جمهوری اسلامی را در معرض تهدید قرار دهد.

خمینی در دستگاه حکومت مذهبی از چنان قدرت فوق العاده ای برخوردار بود که هیچ فرد، گروه یا جناحی از هیئت حاکمه را یا رقیب یا مقابله با او نبود. وی بنا به نقش ویژه ای که در دستگاه حکومتی کسب کرده بود می کوشید تا تعادل جناحهای هیئت حاکمه را حفظ کند و خود را فراتر از همه آنها قرار دهد. اما با مرگ خمینی هیچیک از افراد جناحهای هیئت حاکمه از توریته و موقعیتها و برخوردار نیستند. کسی قادر به مهار جناحهای رقیب و کنترل تضادهای و کشمکشهای آنها نیست. هر می که خمینی در رأس آن قرار گرفته بود، شکاف بیشتری برداشته است. سران هیئت حاکمه بلافاصله پس از مرگ خمینی با عجله کوشیدند تا جانشینی برای او دست و پا کنند و خاندانهای را بجای او برگزینند. اما او نه از توریته خمینی در میان جناحهای هیئت حاکمه برخوردار است و نه از نفوذ و در میان مزدوران حکومتی و وپاشان حزب الله. خاندانهای قادر نیستند از نظر سیاسی نقش خمینی را ایفا کنند و توازن جناحهای حکومت را حفظ نمایند. هر چند که اکنون در ظاهر همه جناحها و ارگانهای رژیم به او اظهار وفاداری کرده اند اما این انتخاب، اختلافات و کشمکشها را در آینده ای نزدیک تشدید خواهد کرد، چرا که انتخاب او در حقیقت تقویت جناح بازاریبازر میگردد و جناح دیگر هیئت حاکمه که در ارگانهای مختلف رژیم از قدرت زیادتری برخوردار است، تضعیف موقعیت خود را تحمل نخواهد کرد. از این رو روشن است، که با مرگ خمینی تضادهای درونی هیئت حاکمه تشدید میشود و بحران حکومتی عمیق ترمی گردد. تصور باطلی است اگر چنین پنداشته شود که مرگ خمینی میتواند منجر به تخفیف پاره ای از تضادهای گردد.

چرا که رژیم مذهبی جمهوری اسلامی با تمام ماهیت ارتجاعی اش باقی مانده است. در چنین شرایطی نه تنها بهبودی در وضعیت مادی و معنوی توده مردم حاصل نخواهد شد بلکه سران رژیم برای حفظ موجودیت جمهوری اسلامی به تشدید سیاست اختناق و سرکوب روی می آورند و وضعیت توده ها را بیش از پیش دشوار تر و غیر قابل تحملتر خواهند ساخت. این امر قطعا برداشته ناراضی بیتی، اعتراض و مبارزه توده ای علیه رژیم خواهد افزود. خلاصه کلام اینکه با مرگ خمینی بحران سیاسی تشدید خواهد شد.

این چشم انداز تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، و اوضاع مساعبدین المللی، شرایط عینی را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیشتر فراهم خواهد ساخت. بنا بر این امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی همچنان بصورت امری مبرم در برابر ما قرار گرفته است. این حقیقت که بحران اقتصادی و سیاسی هر چه بیشتر زمینه های عینی را برای سرنگونی رژیم فراهم می آورد، وظیفه ای فوری تر و عاجل تر را در برابر ما قرار می دهد. آن سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران است. واقعیت این است که هم اکنون نیز اکثریت عظیم توده های مردم ایران تحت شدیدترین فشارهای مادی و معنوی قرار دارند و رژیم موجود برای آنها غیر قابل تحمل است. این یک حقیقت مسلم است. با این وجود به رغم بحرانهای اقتصادی و سیاسی موجود، بین نیز حقیقتی است که دامنه اعتلاء جنبش توده ای بسیار محدود است. علت چیست؟ چگونه با پیدای حقیقت را تبیین کرد که دامنه اعتلاء جنبش توده ای علیرغم فشار بی حد و حصری که مردم با آن روبرو هستند محدود است؟ واقعیت این است که محدود بودن دامنه اعتلاء جنبش و نیز محدود بودن اشکال مبارزه علنی و آشکار، بیش از آنکه به عامل عینی مربوط باشد به عوامل ذهنی مربوط میشود. از یکسو کارگران و زحمتکشان ایران از حداقل تشکل و سازمان یافتگی محروم اند و از سوی دیگر رژیم با دیکتاتوری عربیان و عنان گسیخته کوچکترین تجلی ناراضی بیتی را در نطفه سرکوب میکند. این خود نشان میدهد که به رغم وجود بحران انقلابی، رژیم خود بخود سرنگون نمی گردد، مگر آنکه توده های متشکل آنرا سرنگون کنند. بنا بر این سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک مستلزم تلاش برای متشکل ساختن و آگاه نمودن طبقه کارگران و زحمتکشان طبقه کارگر و زحمتکشان بورژوازی دمکرات و انقلابی از سوی دیگر است که در مرحله کنونی انقلاب به انجام تحولات انقلابی - دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران ذی علاقه است. مسئله متشکل نمودن طبقه کارگر در عین حال مستلزم وحدت در صفوف کمونیستهای ایران و ایجاد حزب کمونیست ایران است. چرا که مسئله متشکل ساختن طبقه کارگر تمرکز همه منابع،



استعدادها و امکانات جنبش کمونیستی را در یک سال زمان واحد پورتا ریائی می طلبید. با درک این ضرورت بود که ما طی دو سال گذشته تلاش مجدانه ای را برای وحدت در صفوف کمونیستهای ایران آغاز نمودیم و انرژی خود را قبل از همه بر روی امر وحدت در صفوف نیروهای طیف اقلیت متمرکز ساختیم که بعلمت توافقی بر سر اساسی تری مسائل برنامه ای و تاکتیکی امکان حصول وحدت بین آنها بیشتر بوده است. اما با دیدگفته که در این زمینه دست آوردهای ما بسیار محدود بوده است. نیروهای که خود را بصورت " هسته اقلیت " متشکل ساخته اند نه تمایلی به این وحدت نشان دادند و نه در نشستهای که ما از آنها دعوت بعمل آوردیم شرکت کردند. در زمینه امر وحدت - " شورا یعالی " نیز هر چند گامهای عملی در این جهت برداشته شد، اما چنین بنظر میرسد که گرایشاتی در درون این سازمان وجود دارند که چندان تمایلی به امر وحدت ندارند، با این وجود ما به تلاش خود برای وحدت ادامه دادیم. از مسئله تشکل صفوف کارگران و وحدت کمونیستهای ایران که بگذریم، مسئله دیگری را نیز باید در نظر داشته باشیم و آن این حقیقت است که امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک در ایران مستلزم انقلاب طبقه کارگر یا خرده بورژوازی دمکرات و انقلابی است. بدون انجام این امر طبقه کارگر نمی تواند انقلاب را در مرحله کنونی آن بفرجام برساند. با درک این حقیقت است که ما طی دو سال گذشته کوشیده ایم اتحاد عمل با سازمانهای انقلابی و دمکرات را گسترش دهیم تا بدین طریق زمینه های مستحکم تری برای اتحاد همه نیروهای انقلابی و دمکرات برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک فراهم آوریم. انجام این وظایف در عین حال نمیتوانست از مبارزه علیه رژیم و " لیبرالیسم " جدا باشد. مشکل شدن صفوف طبقه کارگر و وحدت در صفوف کمونیستهای ایران هیچگاه نمی تواند جدا از انفرادی در فرمیسیم در جنبش طبقه کارگر باشد. هر چند که سیاستهای اپورتونیستی و خیانتناظر فرمیستهای توده ای و اکثریتی با حمایت از رژیم جمهوری اسلامی کاملاً در درون جنبش کارگری ایران افشاء شده است و این سیاستها رسوائی عظیمی برای طیف فرمیستها برآورد، با این وجود افشاء و انفرادی و مواوم آنها همواره یکی از وجوه اصلی سیاستهای سازمان ما بوده و خواهد بود. علاوه بر این در جنبش عمومی دمکراتیک توده های مردم ایران، خطر " لیبرالیسم " همواره وجود داشته و خواهد داشت، افشاء و انفرادی " لیبرالها " و به طور کلی " لیبرالیسم " در صفوف جنبش دمکراتیک وجه دیگری از سیاستهای سازمان ما بوده و خواهد بود. امروزه اصلی ترین و مهم ترین خطر برای جنبش عمومی دمکراتیک و انقلاب ایران، سازمان

مجا هدی محسوب می شود که مناسب ترین آلترنا تیوا مپریالیسم و بورژوازی داخلی برای کنترل و مهار جنبش توده ای در شرایط اعتلاء این جنبش محسوب میگردد. هر چند که ما هیت ضد انقلابی این سازمان و تمایلات شدیداً ضد دمکراتیک و ارتجاعی آن بر بخش وسیعی از توده های مردم ایران روشن شده است، با این وجود از آنجا نیکه این سازمان با ادعای دروغین آزادیخواهی، در میان بخشهای از مردم ایران دارای نفوذی باشد و علاوه بر این از حمایت بخشهای از بورژوازی داخلی و بین المللی برخوردار است خطر عمده ای برای انقلاب ایران محسوب میشود و چنانچه بقدرت برسد یک دیکتاتوری تمام و تمام تروریستی نظیر دیکتاتوری رژیم شاه و جمهوری اسلامی را در ایران برقرار خواهد کرد. بر این مبنا، افشاء هر چه گسترده تر این سازمان در میان توده های مردم، یکی از شرایط پیروزی انقلاب ایران محسوب میگردد. سازمان ما که طی چند سال گذشته یک لحظه از مبارزه علیه این سازمان و واقفان آن دست برنداشته، طی دوران پس از نخستین کنفرانس سازمان، این سیاست را ادامه داده و در آینده نیز قطعاً باید آنرا ادامه دهد. این استرئوس مهمترین سیاستهای ما در شرایطی که بحران ژرف ترمی گرد و شرايط عینی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بیشتر فراهم می گردد. پس از این توضیحات اکنون ببینیم که طی دو سال گذشته، در زمینه مسائل تشکیلاتی چه کرده ایم؟ یا چه مسائلی روبرو بوده ایم؟ و در آینده چه باید کنیم؟

سازمان ما، در آستانه کنفرانس خرداد ماه سال ۶۶ با حدا در ترین بحران تمام دوران حیات خود روبرو گشته بود. انشعابات خرداد ماه ۶۶ منجر به از هم گسیختگی تمام بخشهای تشکیلات گردید. همه تلاشهای ما قبل از برگزاری کنفرانس برای برگزاری یک نشست وسیع از همه نیروها و بخشهای تشکیلات با شکست روبرو گردید. با برگزاری کنفرانس مجدداً این تلاش را با دعوت از رفقای دیگر برای شرکت در کنفرانس از سر گرفتیم، اما باز هم به نتیجه ای نرسید. لذا ما علیه کمیت و توان محدود خویش بنا به احساس مسئولیتی که در قبال جنبش طبقه کارگر و سازمان داشتیم، وظیفه با سازی تشکیلات و مبارزه با انحرافات که در گذشته منجر به انشعابات و ضربات مکرر به سازمان شده بود، در برابر خود قرار دادیم. در زمینه با سازی تشکیلات در حدودی که توان و امکانات ما اجازه می داد، تنها در محدوده معینی توانستیم برخی ارگانها را احیاء نمائیم. فراتر از این از عهده و توان ما خارج بود.

ما پس از کنفرانس در حالیکه تمام ارگانهای سازمان از هم پاشیده بود، می با یستی با تعداد معدودی از رفقا فعالیت خود را آغاز کنیم. ما از حیث کارهای مجرب و سازماندهی در مضیق قرار داشتیم. در زمینه مالی و تدارکاتی وضعیت ما از

این هم وخیم تر بود. پس از گذشت دو سال از آن زمان اکنون با دیدگفته که ما حتی توان مالی و تدارکاتی برای انتشار نخستین شماره ارگان سازمان را پس از کنفرانس نداشتیم. مسئول کمیته خارج از کشور سابق سازمان، به تمام معنی کلیه امکانات مالی و تدارکاتی سازمان را به تاراج برده بود. اگر تلاش فداکارانه همه رفقای سازمان و کمکها و حمایتهای رفقای هوا دار نبود، ما حتی قادر نبودیم یک گام به پیش برداریم. اما علیرغم تمام این مشکلات ما به وظیفه کمونیستی خود عمل کردیم و نه فقط در محدوده معینی به با سازی تشکیلات پرداختیم بلکه مهمتر از آن، در جهت تثبیت سیاسی سازمان تلاش نمودیم. طی دو سال گذشته عمده ترین دست آوردها یک دست آورد سیاسی بود. انشعابات مکرر، لطمه شدیدی به اعتبار سیاسی سازمان وارد آورده بود. اعتماد به سازمان حتی در صفوف هواداران تا حدود زیادی از بین رفته بود. ما می با یستی تلاش کنیم تا مجدداً این اعتماد سیاسی را کسب نمائیم. ما در این زمینه تا حدودی موفق شدیم و سازمان مجدداً از نظر سیاسی تثبیت گردید، اما هنوز با یدمته تلاش کنیم تا اعتبار سیاسی گذشته سازمان کاملاً احیاء گردد. در زمینه مسائل تشکیلاتی که در گذشته یکی از مسائل بحران زای سازمان بود، ما تلاش مجدانه ای را برای برقراری مناسبات و روابط کمونیستی در تشکیلات و اجرای اصل سترالیسم دمکراتیک میزول داشتیم و در آینده نیز استحکام هر چه بیشتر یک چنین مناسباتی با ید در سر لوجه فعالیتها ی مربوط به زندگی درون تشکیلاتی ما قرار بگیرد. اما علیرغم تمام این موفقیتها ی که تشکیلات ما طی دو سال گذشته داشته است، با ید گفت که ما در امر انجام عمده ترین وظیفه خود که جهت گیری برای ایجاد یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران بوده است، موفق نبوده ایم. این مسئله ای بسیار مهم و جدی برای تشکیلات است که با ید آنرا ریشه یابی کنیم و راه حلی برای آن ارائه دهیم، چرا که موجودیت تمام تشکیلات ما وابسته به حل این مسئله است. این عدم موفقیت قبل از هر چیز ناشی از ذهنیگری مفرط ما بوده است. پس از کنفرانس خرداد ۶۶، ما ساده انگارانه و متوهم به توان خود، برنامه ها یی را پیش رویمان قرار دادیم که فاقد حداقل ملزومات و پیش شرطهای عملی ساختن آن بودیم. بدیهی است که بقای سبک کار گذشته نیز ناشی از خود را در عرصه کار سازمانی ما برجای گذارده است. ما در حالیکه در عرصه سیاسی، سبک کار روشیوه فعالیت خود را بطور عمده اصلاح کرده ایم، اما در عرصه سازماندهی عمدتاً سبک کار گذشته را ادامه دادیم که ریشه اصلی آن نیز، همین ذهنیگری بوده است. نتیجه اینکه: اگر ما تمام نیرویمان را حول تصمیمات کمیته اجرائی متمرکز می نمودیم، با ید قادر نبودیم این مصوبات را در ابعاد مورد

پیام به فدائیان دربند، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی

رفقا و هم‌رزمان دربند!

دومین کنفرانس سازمان در شرایطی برگزار میشود که کارنامه سیاه و ننگین جمهوری اسلامی در زمینه شکنجه و کشتار انقلابیون در ابعاد وسیعی برملا گشته است. وسعت دامنه جنایات رژیم، آشکارا مبین وحشت مرتجعین حاکم از برآمدهای توده‌ای است. جمهوری اسلامی که در هراس دائم از خیزش انقلابی توده‌ها بصر میبرد، برای این خیال است که با کشتار و شکنجه انقلابیون و ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه، قادر خواهد بود جلوی رشد مبارزات توده‌ها را سد کند. دژ خیمان جنایت‌پیشه، با اعمال خشن‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی نسبت به شما فدائیان اقلیت‌چنین می‌پندارند که قادر خواهند بود راه شما را درهم شکسته و از گسترش مبارزات انقلابی جلوگیری نمایند. اما تداوم مبارزات آشکار و نهان کارگران و زحمتکشان، پایداری و استواری شما تا پای جان، همگی دال بر خام خیالی دژ خیمان است.

رفقا! همسنگران زندانی!

شرکت‌کنندگان در دومین کنفرانس سازمان ضمن بزرگداشت‌خاطر همه شهدای سازمان، از مقاومت‌حماسی و غرور آفرین شما در سیاه‌چال‌های قرون وسطائی رژیم تجلیل نموده و پرشورترین دروهای کمونیستی خود را نثار شما می‌کنند. رژیم سترگ شما در زندان‌های مخوف جمهوری اسلامی که یکی از ارتجاعی‌ترین و سفاک‌ترین رژیم‌های جهان است، بخش مهمی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه سرمایه‌داران و مرتجعین محسوب میشود. شما که راه سرخ‌فدائیان خلق را تداوم بخشیده‌اید و در زندان‌ها نیز بین راه خونین را پاس داشته‌اید. شما که در برابر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی دل‌ورانه مقاومت کرده و به آرمان‌های طبقه کارگر و فداکاران مانده‌اید. شما که شدیدترین شکنجه‌ها را تحمل کرده و با حماسه‌های غرور آفرین خود، دشمنان خوار و زبون را، زبون تر کرده‌اید. ما ضمن ابراز تعجب و شورا انگیزترین احساسات رفیقانه، فداکاریهای شما را ارج می‌نهیم. رفقا! ایستادگی و پایداری ستایش‌انگیز شما، رژیم بی‌باکانه و غرور انگیز شما حقیقتاً از قدر و ارجی پایانی برخوردار است. خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی!

بی‌تردید دشواریها، مشقات و نگرانیهای متعددی که شما از ناحیه جمهوری اسلامی بخاطر عزیزان خود متحمل شده‌اید، از حدود انداز بیرون است. فداکاریها و از خودگذشتگی‌های شما نیز در خوارچ‌گذاری و تحسین برانگیز است و امروز گوشه‌ای از این ارج‌گذاری را در احساس هم‌دردی و براهمستگی عمیق اکثریت عظیم مردم زحمتکش با شما خانواده‌ها بوضوح میتوان مشاهده کرد. اطمینان داشته باشید که با عزیزان شما که در برابر برجوخه‌های اعدا و استوار و سرفراز ایستادند، و یاد نبردهای رویا روی با مزدوران به‌شهادت رسیدند، همواره در خاطرها زنده خواهد ماند. قهرمانانی که با سرودهای حماسی بر لب و داندان‌های فشرده شده از کینه، دژ خیمان را تحقیر نموده و مرگ سرخ را پذیرا گشتند. مرگی که نوید بخش پیروزی کارگران و زحمتکشان است. استواری و جان‌بازی این عزیزان در برابر جمهوری جهل و جنایت، ناقوس بیداری کارگران و زحمتکشان و تجسم رژیم انقلابی و خلل‌ناپذیر آنها علیه اختناق و استتار است.

اگر فریاد مقاومت و پایداری عزیزان شما دیوارهای سکوت و ظلمت را در نور دیده و بیرون از زندان‌ها انعکاس یافت، شما نیز راه‌ایین دل‌وران را در بیرون از قتلگاه‌ها و شکنجه‌گاه‌ها پی گرفته‌اید. شما با جسارت و آگاهی، به افشاء جنایات رژیم در زندان‌ها پرداخته‌اید، اخبار مبارزات قهرمانانه فرزندان خود را در میان توده‌های بخش نموده و پایداری آنها را در سراسر ایران و جهان منعکس کرده‌اید. شما با اشکال مختلفی از مبارزه علیه رژیم، برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش ورزیده و دشمنان قسم‌خورده آزادی را بیش از پیش رسوا ساخته‌اید. شما خانواده‌های زندانیان سیاسی خوب میدانید که جمهوری اسلامی طی ده سال حکومت‌جا برانه و ستمگرانه خود، عظیم‌ترین جنایات ضد بشری را مرتکب شده است. تنفر عمیق دل‌وران دربند شما از نظام حاکم، انعکاس آن‌ها در عین‌قسم‌خورده آزادی را بیش از پیش رسوا ساخته‌اید. شما خانواده‌های که طی ده سال حکومت‌ستم و دبار، جز فقر، فلاکت، تنهایی و بی‌حقوقی نصیبی نبرده‌اند و اکنون مدت‌ها است که در تدارک سرنگونی آن هستند. هم‌اکنون گرچه مرگ‌خیمینی به فروپاشی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی شتاب بیشتری بخشیده است، با این وجود نظام ضد مردم‌گرا تیک‌حاکم بجای خود باقی مانده است. از این رو کسب آزادی‌های سیاسی، یکی از مهمترین مطالبات شما و عموم توده‌های مردم محسوب میشود و آزادی زندانیان سیاسی، که جلوه‌ای از آزادی‌های سیاسی است همچنان در محور مطالبات شما قرار دارد. پس برای آزادی زندانیان سیاسی و برای تحقق آزادی‌های سیاسی، مبارزات خود را علیه رژیم گسترش دهید.

ما اطمینان داریم که دور نیست روزی که خشم عظیم و بنیان‌کنی که سینه‌ها را انباشته است، برج و باروی ستمگران جنایت‌پیشه را درهم بشکند و بساط ننگین آنها را در شعله‌های خود خاکستر کند. در این مصاف تاریخی، جمهوری اسلامی را از چنین فرجام دهشتناکی هیچ راه‌گزینی نیست و از همین روست که نه‌کشتارهای جمعی و نه زندان و شکنجه، رژیم را از مرگ حتمی نجات نخواهد داد. دور نیست آن روزی که زندان‌ها مجدداً بدست توده‌ها فتح و گشوده شوند و عزیزان رها یافته شما، به همراه کارگران و زحمتکشان بر ویرانه‌های رژیم جمهوری اسلامی به رقص و پای‌یکوبی بنشینند.

جاودان با دخاله‌های سازمان!

پیروز با درزم سترگ فدائیان دربند!

درود بر خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی!

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

زنده با دسوسیالیسم!

شرکت‌کنندگان در دومین کنفرانس سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اقلیت)

پیام دومین کنفرانس به رفقای هوادار

رفقای هوادار!

شرکت کنندگان در دومین کنفرانس سازمان پرستقامت شما در مبارزه برای تحقق آرمانهای و لای طبقه کارگر درود می فرستند و برپا بیدار ریتان ارج می نهند. شما در شرایطی به مبارزه قهرمانانه خود ادامه می دهید که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با تشدید سرکوب و خفقان، دیکتاتور می عنان گسیخته ای را بر جامعه حاکم نموده است و تمامی قوای سرکوبگر خود را علیه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی بکار گرفته است. در شرایطی که طبقه کارگر ایران زیر شدیدترین فشارهای مادی و معنوی قرار دارد. استمنا روحشیا نه و شرایط طاقت فرسای کار ریبیاد می کند. هر اعتراض کارگران بشدت سرکوب میشود، ایجا دتشکللهای کارگری ممنوع است و ابتدائی ترین حقوق طبقه کارگر توسط طبقه حاکمه سلب شده است. در شرایطی که عموم توده های مردم ایران با فقر، گرسنگی، بیکاری، گرانی و دهها مصیبت اجتماعی دیگر دست بگریبانند، رژیم تنها راه تداوم حاکمیت خود را در سرکوب، ترور و پامال نمودن حقوق دمکراتیک توده های یافته است. رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه در بحران عمیق اقتصادی و سیاسی دست و پا میزند، روز بروز شرایط دشوارتری را بر توده ها تحمیل می نماید و برای مرعوب ساختن آنان و جلوگیری از گسترش اعتراضات توده ای، بر شدت سرکوب و خفقان می افزاید. مجموعه وضعیت امروز جامعه ایران، وظایف خطیری را بر دوش سازمان ما و رفقای هوادار قرار میدهد. در چنین وضعیتی رفقای هوادار سازمان که علیرغم شرایط خفقان آمیز جامعه به مبارزه علیه شرایط موجود ادامه میدهد، باید فعالیت انقلابی خود را گسترش دهند.

رفقای هوادار!

با تلاشی دوچندان، خط مشی سازمان را در میان کارگران، زحمتکشان و توده مردم ستم دیده ایران تبلیغ و ترویج کنید. مبارزات طبقه کارگر و عموم توده ها را در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی سازمان دهید که راه رهایی از مصائب موجود، راه پایان بخشیدن به فقر، بیکاری، بی حقوقی و اختناق و سرکوب، جایگزینی یک حکومت دمکراتیک و انقلابی تحت رهبری طبقه کارگر است که راه را برای استقرار سوسیالیسم، تنها راه نجات بشریت ستم دیده، همواری نماید. تحقق خط مشی سازمان و مصوبات دومین کنفرانس آن، مستلزم تلاش روز افزون ما در تبلیغ و ترویج و سازماندهی مبارزات کارگران و توده های مردم ایران است.

در این میان رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور که تاکنون یک لحظه از مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات برحق توده های مردم ایران ازپای ننشسته اند و نقش مهمی در افشای رژیم، سازماندهی حرکات اعتراضی و پشتیبانی از مبارزات توده های مردم ایران ایفا نموده اند نیز باید در نظر گرفتن شرایط خطیر کنونی مبارزات خود را گسترش دهند.

رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور!

دومین کنفرانس سازمان، تشکیلات را موظف نمود کلیه انرژی و امکانات خود را در جهت سازماندهی مبارزه کارگران و زحمتکشان متمرکز نماید. پیش برد این وظایف، مستلزم آن است که از دامنه فعالیت مستقیم سازمان در خارج از کشور کاسته شود و تمامی انرژی و توان ما به اصلی ترین وظیفه مان اختصاص یابد. کاهش دامنه فعالیت مستقیم سازمان در خارج از کشور، وظایف سنگینی را بر دوش رفقای هوادار سازمان قرار میدهد. رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور می بایست با گسترش فعالیت انقلابی خود و بسط ابتکارات در تبلیغ و ترویج و سازماندهی، این کمبود را جبران نمایند.

رفقای هوادار سازمان!

تحقق مصوبات دومین کنفرانس سازمان مستلزم فعالیت بیشتر و تلاش گسترده تر همه ما است. پس بر فعالیت مبارزاتی خود بیافزاییم و سازمان را در انجام اصلی ترین وظیفه اش یاری رسانیم.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی، برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

زنده با سوسیالیسم!

دومین کنفرانس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خرداد ماه ۱۳۶۸

از صفحه ۱۷

گزارش سیاسی و تشکیلاتی ...

نظر عملی سازمان ما با بیدار نمودن نمودا گرما حامل سبک کار گذشته نبودیم، اگر برای رسیدن به آنچه ضروری و مطلوب است، نقطه آغاز را بروا قعیات و توان واقعی مان استوار می کردیم، اگر انرژی خود را بخش بخش نمی کردیم، در برابر خود وظایف متعدد قرار نمی دادیم و ارگانهای متعدد ایجا نمی کردیم، امروز می توانستیم از حداقلهای لازم در این زمینه برخوردار باشیم. لذا کمیته اجرایی در این زمینه

از خود انتقاد می کنند و بر این اعتقاد است که حمل عمده ترین وظیفه سازمان ما در مقطع کنونی یعنی جهت گیری بسوی ایجا دیک تشکیلات مستحکم در میان کارگران مستلزم اختصاص همه امکانات و نیروهای سازمان به این امر است. از آنجا نیکه این مسئله مهمترین مسئله مربوط به حییات تشکیلات ما محسوب می گردد و از آنجا نیکه نیرو و امکانات ما محدود است، لاجرم ضروریست که حتی به بهای انحلال برخی ارگانهای موجود، همه نیروها و امکانات سازمان را در خدمت تحقق این وظیفه قرار دهیم. بدون سازماندهی طبقه کارگران انجام هیچیک از وظایف ما امکان پذیر نیست.



پیام شرکت کنندگان در دومین کنفرانس به طبقه کارگر

رفقای کارگر!

دردما شرکت کنندگان در کنفرانس دوم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) بر شما با دکه بعنوان یگان طبقه پیگیر و تاسا به آخر انقلابی، تحت دشواری و خفقان آورترین شرایط حاکم بر ایران به مبارزه پیگیر و سازش ناپذیر خود با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ادامه داده و پیشتازی خود را در مبارزه انقلابی توده های مردم ایران نشان دادید.

رفقای کارگر!

سازمان ما که اهدا فو منافی جدا از اهدا فو منافع طبقه کارگر ندارد در طول حیات بیست ساله خود با دفاع مستمر و پیگیر از منافع طبقاتی کارگران وفاداری خود را به اهدا فو آرمانهای طبقه کارگر در عمل نشان داده است، دومین کنفرانس خود را در شرایطی برگزار نموده است که چشم انداز یک بحران سیاسی بسیار ژرف، مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی را به امری مبرم و جدی تبدیل نموده و طبقه کارگر را بدین نقش بسیار مهم و ارزنده ای در این تحولات ورهبری جنبش انقلابی توده ای ایفانماید. از این رو دومین کنفرانس سازمان چشم انداز و وضع سیاسی ایران را بدقت مورد بررسی قرار داد و برای اینکه طبقه کارگر بهتر بتواند نقش انقلابی خود را در تحولات قریب الوقوع ایفانماید، خط مشی و تاکتیکهای پرولتاری را در وضعیت جاری مشخص ساخت.

رفقای کارگر!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که پاسدار نظم سرمایه داری و مدافع منافع سرمایه داران و ملاکین است، طی ده سال حاکمیت خود در ایران عظیمترین مصائبی و معنوی را ببار آورده و روز بروز ویرانگر و متواضع افزوده است. رژیم جمهوری اسلامی در نتیجه سیاستهای فاسق ارتجاعی خود، بحران اقتصادی را که ذاتی نظام سرمایه داریست، مدواما تشدید کرده است. این تشدید روز افزون بحران اقتصادی، شرایط مادی زندگی توده های زحمتکش را بیوسته دشوارتر نموده است. بحران اقتصادی منجر به اخراج میلیونها کارگر از کارخانه ها و موسسات، تشدید استثماری و روتن روز افزون سطح زندگی کارگران شده است. تورم فاسد رگسیخته و افزایش سرسام آور قیمت کالاها، در شرایطی که دستمزدها تقریباً ثابت مانده، شرایط زندگی عموم توده های زحمتکش را بیش از پیش غیر قابل تحمل نموده است.

بدون اغراق باید گفت که امروزه اکثریت عظیم زحمتکش ایران با چنان فقر و بدبختی دست بگریبانند که هرگز سابقه نداشته است. رژیم جمهوری اسلامی نه فقط شرایط مادی زندگی توده های مردم را روز بروز وخیم تر نموده بلکه عموم توده ها را از ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی محروم نموده و ماسایستهای سرکوبگرانه و ضد دمکراتیک خود را تشدید کرده است. در نتیجه این سیاستهای ارتجاعی، طی چند سال گذشته ده ها هزار تن از مردم ایران بجزو اعدا م سپرده شده و ده ها هزار تن دیگر در سیاه چالهای قرون وسطائی به بند کشیده شده اند. طبقه کارگر ایران بیش از همه طبقات و اقشار را از این فقدان آزادی و دمکراسی و سرکوبهای عنان گسیخته لطمه دیده و رنج می برد. چرا که طبقه کارگر برای رهایی خود و برای اینکه به اهدا فو طبقاتی و تاریخی خود ادامه عمل پوشد به وسیع ترین و گسترده ترین دمکراسی نیاز دارد. خلاصه کلام اینکه کارنامه رژیم جمهوری اسلامی طی دوران ده ساله زمامداری اش ——— تشدید استثماری کارگران، تشدید فقر و فلاکت، تشدید اختناق و سرکوب، جنگ و کشتار چریک دیگری نبوده است. جمهوری اسلامی جز انبوهی از مصائب اجتماعی ارمغان دیگری برای توده های مردم ایران نداشته و نخواهد داشت.

اما رژیم با این سیاستهای ارتجاعی خود، بردمانه نارضایتی و اعتراض عموم توده ها افزوده و زمینه را برای شکل گیری یک جنبش همگانی علنی و گسترده هموار نموده است. بر این اساس محتمل ترین چشم انداز، اعتلاء جنبش توده ای و بروز یک بحران بسیار ژرف است که همه شرایط عینی را برای سرنگونی رژیم فراهم خواهد ساخت. مرگ خمینی که قطعاً تضادهای درونی جناحهای هیئت حاکمه را تشدید و زهم گسیختگی را در دستگاه دولتی شدت خواهد بخشید، شرایط مساعدتری را برای سرنگونی جمهوری اسلامی پدید خواهد آورد. با توجه به این چشم انداز تحول اوضاع سیاسی است که نقش طبقه کارگر بیش از همیشه برجسته میشود و کارگران ایران باید خود را برای رهبری جنبش و ایفای نقش قطعی در انقلاب آماده نمایند.

رفقای کارگر!

تجربه دوران سرنگونی رژیم شاه این حقیقت را یکبار دیگر اثبات نمود که اگر طبقه کارگر رهبری جنبش را در دست نداشته باشد، انقلاب به پیروزی قطعی نخواهد انجامید و در خواستهای مردم از انقلاب متحقق نخواهد شد. از این رو با دیگر یادتاکید کرد که سرنوشت انقلاب آینده ایران به قدرت طبقه کارگر و نقش رهبری کننده آن وابسته است. از هم اکنون، سرمایه داران، احزاب و نمایندگان خود را بعنوان اپوزیسیون رژیم به میدان فرستاده اند تا با ردیگر در شرایطی که جنبش توده ای اعتلاء می یابد این جنبش را از مسیر خود منحرف سازند و انقلاب را به شکست بکشانند. اگر زمانی خمینی و دارودسته او، این نقش را بر عهده گرفتند و عظیمترین لطمات را به توده های مردم و انقلاب آنها وارد ساختند، امروزه بمبویه این نقش را سازمان مجاهدین بر عهده گرفته است که از حمایت و پشتیبانی امپریالیسم سرمایه داران ایران نیز برخوردار می باشد. بنابراین کارگران باید هوشیاری انقلابی خود را حفظ کنند، همه تلاشها و وسیله های بورژوازی داخلی و بین المللی را نقش بر آب نمایند، متشکل شوند، مبارزه خود را علیه رژیم شدت بخشند، رهبری جنبش توده ای را بدست بگیرند و تمام با اعتلاء جنبش و فراهم شدن شرایط لازم، از طریق یکا اعتماد عمومی سیاسی و قیام مسلحانه رژیم را برانندازند و حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران - دهقانان و عموم زحمتکشان

در صفحه ۶

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق